

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

جمعه ۱۴ تیر ۱۳۸۷

سال اول - شماره ۱۰

## کارگران علیه سرمایه مسلط شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to  
Form Workers Organization

### در این شماره:

- بلاتکلیفی کارگران لامپ الوند و راه چاره آن ص ۲
- کارگران صنایع مخابراتی راه دور و چشم انداز نوین مبارزه ص ۲
- اخراج تمام کارگران «ایران کومه» ص ۳
- «دروس ایران» تعطیل و همه کارگران بیکار شدند ص ۳
- تمدید قرارداد کار موکول به حذف حق ایاب و ذهاب ص ۳
- قند شیروان ۵۰ کارگر را بیکار می کند ص ۴
- اعتراض ۳ هزار کارگر ساختمانی در سنج ص ۴
- اعتصاب چندین میلیون کارگر راننده در هند ص ۵
- اعتصاب ده ها هزار کارگر در کره جنوبی ص ۵
- قتل ۱۸ کارگر چینی توسط سرمایه در معدن ذغال سنگ ص ۵
- گزارش کوتاه از کارخانه پازن در شهر صنعتی قزوین ص ۵
- گزارش از کارخانه پارس ایران ص ۵
- ادامه مبارزه کارگران ایران خودرو ص ۶
- خطر حتمی اخراج در نساجی کردستان ص ۶
- اخراج کارگران به جرم مطالبه دستمزد ص ۷
- اخراج کارگران «تراش هاشم» ص ۷
- واگذاری کارخانه نساجی بروجرد و اخراج کارگران ص ۷
- اعتراض کارگران معدن قلعه زری ص ۸
- اخراج کارگران پست سنج ص ۸
- کارگران «بیک شبی» و معضل قرارداد موقت ص ۸
- زمینس و بیکارسازی گسترده نیروی کار ص ۸
- اعتصاب کارگران لوفت هانزا ص ۹
- اعتصاب سراسری معلمان نیجریه ص ۹
- اعتصاب غذایی کارگران ایران خودرو ص ۹
- اعتصاب رانندگان اتوبوس در سوئد ص ۹
- قتل عام بی امان بردگان مزدی در آستان سرمایه ص ۱۰
- اجتماع اعتراضی معلمان کرمانشاه ص ۱۱
- بیکاری ۲۵۰۰ کارگر در کارخانه های زنجان ص ۱۱
- سرمایه و کشتار تدریجی کارگران با مواد شیمیایی ص ۱۱
- اعتصاب سراسری کارگران در پرو ص ۱۲
- بیکارسازی ۱۴۰۰۰ کارگر در ذغال سنگ کرمان ص ۱۲
- تعویق سه ماهه دستمزد کارگران دهکده رضوی ص ۱۳
- تعطیل درمانگاه مهدیه همدان و اخراج کارگران ص ۱۳
- تعویق ۵ ماهه دستمزد کارگران نساجی پنگون ص ۱۳
- هر سال ۱۶۷ هزار کارگر در اروپا هنگام کار برای سرمایه کشته می شوند ص ۱۳
- تیر خلاص سرمایه به قلب یکی از کارگران لاستیک البرز ص ۱۴
- ادامه مبارزات کارگران «هما مرغ» ص ۱۴
- خودکشی کارگر پتروشیمی زیر فشار گرسنگی خانواده ص ۱۴
- کارگران شهرک اشتهارد بدون هیچ نوع امکانات ص ۱۵
- قتل دو کارگر در کرج زیر آوار سرمایه ص ۱۵
- معلمان ورامین ۴ ماه بدون حقوق ص ۱۵
- دستگیری کارگر معترض شرکت واحد ص ۱۵
- خبازی های کردستان و استعمار نیروی کار شبه رایگان ص ۱۶
- شهرداری سقز و مصادره دستمزد کارگران ص ۱۶
- پایان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ص ۱۶
- اعتراض کارگران کشتی سازی ها در لهستان ص ۱۷
- اعتراض کارگران «هما مرغ» علیه بیکارسازی ص ۱۸

## شور مطالبات پایه امی طبقه کارگر ایران را بخوانید.

## بلا تکلیفی کارگران لامپ الوند و راه چاره آن

افتاد و کارگران آن را یاد خواهند گرفت و به آن عادت خواهند کرد. در مورد فقدان مواد اولیه و وسایل دیگر نیز کارگران باید آن ها را از دولت بخواهند. مگر همین الان دولت به صاحبان کارخانه های نوع لامپ الوند میلیارد میلیارد وام نمی دهد؟ بسیار خوب! همین پول را به کارگران بدهد تا کارگران با آن مواد اولیه و شکنجه و زندان در تمامی سطوح و زوایایش عین سرکوب و دستگیری و شکنجه و همزنجیران، مگر ما همین الان شکنجه نمی شویم؟ واقعیت است. با این همه، همزنجیران، مگر ما همین الان شکنجه نمی شویم؟ مگر همین الان در زنجیر اسارت امرار معاش به سر نمی بریم؟ قبول داریم که راه مبارزه سازمان یافته با سرمایه داری بیش از راه زندگی معمولی مین گذاری شده است و از زمین و آسمانش خطر می بارد. اما راه دیگر چیست؟ آیا با روزهای طولانی در مسجد نشستن مشکل حل می شود؟ آیا کارفرما به شما و زن و فرزندان رحم خواهد کرد و همه را به سر کار باز خواهد گرداند؟ آیا دولت سرمایه داران جانب صاحبان سرمایه را رها خواهد ساخت و اشتغال مجدد شما را بر کارفرما تحمیل خواهد کرد؟ تمامی تجارب مبارزات کارگران ایران و آنچه که لحظه به لحظه در سراسر این مملکت در برابر دیدگان شما رخ می دهد به طور کامل عکس این را ثابت می کند. در انتظار راه حل سرمایه داران و دولت آن ها نشستن بستن طناب دار با دست خود بر گلوی خویش است. سرانجام این راه فقط بیکاری و گرسنگی و فلاکت و مرگ ناشی از گرسنگی و ذلت و بدبختی است. به این ترتیب می بینیم که راه دوم نیز کم خطر نیست. راه اول شاید خطرناک تر باشد، اما امیدی به پیروزی بر بیکاری و فقر و سیه روزی دست کم برای فرزندانمان در آن هست. به نظر ما، هر عقل سلیمی این راه را بر راه دوم ترجیح می دهد. در راه اول، با سرمایه، که ما را به زانو درآورده است، دست و پنجه نرم می کنیم و می کوشیم آن را به زانو درآوریم. در راه دوم، در مقابل آن سر تسلیم و خفت فرود می آوریم. در راه اول، دست همزنجیران خویش را می فشاریم و به یک نیروی عظیم طبقاتی تبدیل می شویم. در راه دوم، تک تک و پراکنده به ورطه درماندگی و نومیدی فرومی غلتیم. در راه اول، حتی اگر کشته شویم بالاخره در بیکار برای رهایی خود و نسل های آینده از جهنم سرمایه داری کشته شده ایم. در راه دوم به صورت مفلوک و درمانده زیر فشار گرسنگی سرمایه جان داده ایم. راه اول راهی به سوی امید و پیروزی است. راه دوم سراسر یأس و شکست است.

**پس برخیز ای داغ لعنت خورده! دنیای فقر و بندگی!**

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)**

۱۱ تیر ۱۳۸۷

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)

کارخانه لامپ الوند یک سال پیش همه کارگران خود را بیکار ساخت. در آن روز حرف کارفرمای صاحب شرکت این بود که کارخانه او در دست بازسازی است. او ادعا می کرد که کارگران یک سال از بیمه بیکاری استفاده خواهند کرد و پس از آن با پایان دوره بازسازی آنان نیز به سرکار خویش باز خواهند گشت. کارگران یک سال با مبلغ بسیار ناچیزی به نام بیمه بیکاری که اصلاً کفاف معاش آن ها را حتی با تحمل بدترین شکل خورد و خوراک و پوشاک نمی داد، روزگار گذراندند، به این امید که کارخانه بازسازی شود و آنان به سر کار خویش بازگردند. دوره یک سال اکنون مدتی است پایان یافته و کارگران طبق وعده سرمایه دار به سر کار خویش بازگشته اند. آنان می خواهند کار خود را از سر گیرند، اما می بینند که هیچ خبری از بازسازی یا هیچ نوع تغییر دیگر نیست و اصلاً هیچ کاری برای انجام دادن وجود ندارد. سرمایه دار از کارگران خواسته است که به جای حضور در کارگاه ها در مسجد کارخانه جمع شوند!! این کار چند روز تکرار شده اما از کار خبری نیست و تکلیف هیچ کارگری مشخص نشده است. همه شواهد حاکی است که کارفرما همچون همه همتایان استثمارگرش به دنبال از سر دواندن و خسته و مأیوس کردن کارگران و سپس اخراج کامل آن ها بدون هیچ نوع تاوان یا کمترین تاوان است.

حرف ما با همزنجیران لامپ الوند این است: چرا همین اجتماع روزمره خود در مسجد را به یک شورای کارگری تبدیل نمی کنید؟ مگر نه این است که کارفرما برای شما کار ندارد و مگر نه این است که شما خواستار ادامه کار در این کارخانه هستید؟ بسیار خوب! چرا قبل از این که کارفرما شما را اخراج کند شما او را اخراج نمی کنید؟ کارها را که شما می کنید، پس چرا شورای کارخانه خود را بر پا نمی کنید و خودتان از درون همین شورا تمام امور کارخانه را به دست نمی گیرید؟ مگر حتماً باید برای او کار کنید و از هر ۱۲۰۰ تومانی که تولید می کنید ۱۱۰۰ تومان آن را به صورت ارزش اضافی به سرمایه دار بدهید؟ چرا خودتان تولید را راه نمی اندازید؟

پاسخ شما روشن است و ما نیز چند و چون آن را می دانیم. شما می گوئید اولاً اداره کارخانه از ما بر نمی آید. ثانیاً راه انداختن تولید مستلزم مواد اولیه و مصالح کار و بازار فروش و وسایل حمل و نقل و پول آب و برق و بسیاری چیزهای دیگر است. این را نیز قطعاً و به درستی اضافه می کنید که اگر کارخانه را تصرف کنید در یک چشم به هم زدن تمامی نیروی انتظامی و سپاه و بسیج و ارتش و دیگر نهادهای سرکوب شما را در محاصره خواهند گرفت و همه تان را راهی زندان و شکنجه گاه و شاید هم میدان تیر خواهند کرد. در مورد اداره کارخانه توسط کارگران، ما فکر می کنیم این کار دشوار هست اما غیرممکن نیست. به این دلیل غیرممکن نیست که در واقع و عملاً همه کارهای کارخانه را کارگران انجام می دهند و سرمایه دار جز استثمار کارگران کار دیگری نمی کند. کاری که باید بشود این است که همین انجام کارها توسط کارگران شکل برنامه ریزی شده و شورایی به خود بگیرد. این کار به ویژه در آغاز البته دشوار است، اما با گذشت زمان روی غلتک خواهد

## کارگران صنایع مخابراتی راه دور و چشم انداز نوین مبارزه

در مورد چند خواست مهم کارگران وعده و وعدههایی بدهند. آنان گفتند که همه دستمزدهای معوقه و مطالبات کارگران را پرداخت خواهند کرد. از این مهم تر، آن ها پذیرفتند که اختیار نگهداری و ادامه کار کارخانه به کارگران محول گردد. نهادهای دولتی حتی زیر فشار خشم و عصیان کارگران وعده دادند که مصالح

دورخیزی برای حمله گسترده تر به مبارزات کارگران و دستاوردهای تا کنونی جنبش آنان تبدیل کنند. در صنایع مخابراتی ۱۲۰۰ کارگر کار می کنند که همه آن ها در طول یک سال اخیر به طور کامل بیکار بوده اند. دور پیشین مبارزات کارگران استاندار و عوامل دولتی سرمایه در استان فارس را مجبور کرد که

مبارزات کارگران صنایع مخابراتی راه دور به نقطه تعیین کننده و حساسی رسیده است. از یک سوی فشار مبارزات طولانی مدت کارگران دستگاه های دولتی مجری نظم سرمایه را به عقب نشینی هایی واداشته است و از سوی دیگر همین دستگاه های دولتی همراه با صاحبان سرمایه می کوشند که عقب نشینی خویش را به

کار و نیازهای تولید را کم و بیش برای کارگران فراهم سازند.

در پایان آن دور مبارزات، کارگران با گرفتن این وعده و وعیدها به انتظار نشستند، اما همان گونه که روشن بود یا در واقع همان گونه که سیاست سرمایه‌داران و دولت آن هاست هیچ یک از این وعده‌ها برآورده نشد. واقعیت این است که کارگران در آن مقطع خاص دچار خوش‌خیالی و توهم شدند. کار درست و سنجیده و هدفمند آن بود که در همان زمان کارخانه را تصرف می‌کردند. کارگران باید بی‌درنگ شورای ضد سرمایه‌داری خود را تشکیل می‌دادند و از درون این شورا اداره امور شرکت را به دست می‌گرفتند. عقب‌نشینی کارفرمایان

و نهادهای دولتی سرمایه‌معبّر بسیار مناسب و مساعدی برای تعرض در پیش پای کارگران باز کرده بود. وقتی که سرمایه‌داران از روی اجبار تهیه مصالح و ملزومات تولید را حداقل در حرف تن وعده می‌دادند، گام بعدی مبارزه کارگران علی‌الاصول برنامه ریزی تولید و فشار بر دولت سرمایه‌داری برای تهیه عملی و روزمره مواد اولیه و نیازهای اداره تولید توسط کارگران بود.

کارگران زیر فشار توهم و اعتماد بیجا به حرف‌های صاحبان سرمایه و دولت از تبدیل دستاوردهای مبارزه خویش به یک سنگر تازه و از سنگری به سنگر دیگر شتافتن بازماندند. آنان یکرست راه خانه انتظار و بستن امید به

عوام فریبی‌های دشمن را در پیش گرفتند. نتیجه آن شد که نهادهای دولتی فرصت را مغتنم شمرده و به هیچ یک از وعده‌های خود جامه عمل نپوشاندند. اجتماع اخیر کارگران در مقابل استناداری فارس با هدف اعتراض به معوق ماندن تمامی وعده‌های عمل دولتی سرمایه‌داری صورت گرفته است. همه چیز نشان می‌دهد که کارگران باید آنچه را که قبلاً انجام نداده‌اند اینک انجام دهند. تشکیل شورای کارگری، تصرف کارخانه و فشار بر دولت سرمایه‌داری برای تأمین رایگان تمام نیازهای کار و تولید محور اساسی وظایفی است که به طور عاجل در پیش پای آنان قرار دارد.

۱۲ تیر ۸۷

## اخراج تمام کارگران «ایران کومه»

سرمایه‌داران صاحب شرکت ایران کومه به دنبال سال‌ها استثمار هولناک کارگران و سرمایه‌های بسیار فراوانی که از این طریق اندوخته‌اند، درمورد چگونگی سرمایه‌گذاری‌های بعدی، استثمار هر چه شدیدتر کارگران و به دست آوردن اضافه‌ارزش‌های بسیار انبوه‌تر با هم دچار اختلاف شده‌اند. جزئیات اختلاف آنان چندان روشن نیست و طبیعتاً حق هیچ کارگری هم نبوده و نیست که از این جزئیات آگاه شود. در این میان یک چیز روشن است و همه کارگران بی‌درنگ در جریان آن قرار گرفته‌اند. سرمایه‌داران تصمیم گرفته‌اند که هر کدام حجم عظیم سرمایه خود را بر دارند و برای استثمار جنایتکارانه‌تر نیروی کار در جای دیگری شروع به سرمایه‌گذاری کنند. آنان این تصمیم را گرفته‌اند و همزمان در همان لحظاتی که هر کدام دنیایی سرمایه حاصل از

استثمار توده‌های کارگر را با خود به جای دیگر منتقل می‌کردند به کارگران اعلام کردند که کارخانه تعطیل است. کار برای هیچ کارگری نیست و آنان مسئول گرسنگی و ذلت و مرگ هیچ کارگری نیستند. سرمایه‌داران سرمایه‌های حاصل از سال‌ها استثمار کارگران را با خود بردند و کارگران با دستان خالی، بیکار و بدون داشتن نان فردای زن و بچه و با دغدغه‌گرسنه ماندن همه افراد خانواده راهی خانه خود شدند. آنچه سرمایه‌داران کردند کاری کاملاً سرمایه‌دارانه و نشان از آگاهی و درایت طبقاتی آنان داشت. اما آنچه کارگران کردند نه کار کارگران آگاه بلکه، کاملاً برعکس، گواه ناآگاهی و سردرگمی و درماندگی آنان بود. کار درست برای این کارگران آن بود که به جای تسلیم و رضا و بازگشت به خانه، با تکیه بر اتحاد و تشکل

شورایی خود با قاطعیت و عزم راسخ از تعطیل کارخانه جلوگیری می‌کردند و خودشان اداره امور تولید را در دست می‌گرفتند. فراموش نکنیم که ایران کومه با مشکل کمبود مواد اولیه و فقدان بازار و معضلات تولید هم اصلاً مواجه نبوده است و این امر کار تصرف کارخانه و اداره تولید را کمی آسان‌تر می‌ساخت. طبعاً کارگران حق خواهند داشت اگر بگویند در این صورت دولت سرمایه‌داران ما را سلاخی و قتل عام می‌کرد. اما پرسش این است که مردن از گرسنگی زیر فشار بیکاری چه مزیتی نسبت به مرگ در جریان مبارزه با بیکاری و دیگر مصائب سرمایه‌داری دارد؟

۱۲ تیر ۸۷

## «دروس ایران» تعطیل و همه کارگران بیکار شدند

شرکت دروس ایران تولیدکننده کپسول آتش‌نشانی است و حدود ۴۰ کارگر را استثمار می‌کند. این شرکت حدود ۵ ماه است که دستمزدی به کارگران پرداخت نکرده است. سرمایه‌دار صاحب شرکت بدون طرح هیچ دلیلی اعلام کرده که برای ۲ هفته شرکت را تعطیل می‌کند و در طول این مدت کارگران بیکار و بدون

دستمزد خواهند بود. همه کارگران یقین دارند که تعطیلی ۲ هفته‌گی سرآغاز تعطیل همیشگی کارخانه و بیکار شدن کل ۴۰ کارگر خواهد بود. «دروس ایران» اولین کارخانه در سطح استان یا در جامعه نیست که تعطیل و کارگزارانش بیکار می‌شوند. تعطیلی این کارخانه‌ها و بیکارسازی گسترده کارگران موج تعرض

و حشمتاک و مهلکی است که از سال‌ها پیش سرمایه‌علیه کارگران آغاز کرده و رو به روز تشدید نموده است.

۱۲ تیر ۸۷

## تمدید قرارداد کار موکول به حذف حق ایاب و ذهاب

پدیده موسوم به قرارداد موقت کار یک میدان همیشه باز یکه تازی سرمایه‌علیه دستمزد، شرایط کار و تمامی هست و نیست معاش توده‌های کارگر است. کارگر نفس می‌کشد، با

رجوع به موقت بودن قراردادش بیکار می‌شود!! اعتراض می‌کند، بی‌درنگ اخراج می‌شود زیرا قراردادی است!! حق مطالبه هیچ افزایش دستمزدی ندارد، چون قرارداد کار او

موقت است!! حقوق ماهانه اش شش ماه شش ماه پرداخت نمی‌شود، زیرا در چهارچوب قرارداد موقت استثمار می‌شود!! عیدی و پاداش و حق سنوات و هیچ نوع حق و حقوق

دور از محل کارخانه زندگی می کنند. آنان به این شرط کارفرما اعتراض کرده اند، اما سرمایه‌دار صاحب کارخانه با سماجت تمام پاسخ داده است که هر نوع سرپیچی از سپردن تعهد کتبی برای چشم پوشی از حق ایاب و ذهاب باعث عدم تمدید قرارداد کارگران خواهد شد.

۱۲ تیر ۸۷

دفعه سوم اصلاً بخشی از روزهای تعطیل را بدون حقوق اعلام می کنند، دفعه چهارم اصل دستمزد را به نصف می رسانند. قراردادهای موقت در همه جا میدان همیشه باز تاخت و تاز بی مهار سرمایه علیه کارگران است. یک نمونه بارز آن همین الان دامنگیر کارگران سینا کاشی است. سرمایه‌دار اعلام کرده است که قرارداد کارگران را تنها به شرطی برای مدتی کوتاه تمدید می کنند که آنان با سپردن تعهد کتبی از مطالبه حق ایاب و ذهاب خودداری کنند. کارگران این شرکت هر کدام در مناطقی بسیار

انسانی به او تعلق نمی گیرد، چون اشتغال وی مشمول حکم قراردادهای موقت است!! این فهرست را می توان ادامه داد، اما نقطه پایانی برایش نیست. سرمایه‌داران در تمدید هر چند ماه یکبار این قراردادها، به شرطی که آن را تمدید کنند، همان سطح نازل دستمزدها را نیز به بدترین شکلی سوهان کاری می کنند و بخشی از آن را به سودهای کلان خود اضافه می نمایند. یک بار جزئی از آن را زیر نام حق ایاب و ذهاب قطع می کنند، دفعه دیگر حق اضافه کاری روزهای تعطیل را حذف می کنند،

## قند شیروان ۵۰ کارگر را بیکار می کند

خود آفریده اند با اقتدار و بیرحمی تمام حکم به بیکار شدن و گرسنه شدن و مردن ناشی از گرسنگی آن ها می دهد؟ پاسخ همه این پرسش ها یک جمله است: **زیرا جامعه و جهان ما جامعه و جهان سرمایه‌داری است.** اگر بناست در بر پاشنه دیگری بچرخد و اگر بناست طومار این جنایات و بشرستیزی ها در هم پیچیده شود باید نظام سرمایه‌داری برای همیشه در گورستان های کهنه تاریخ دفن گردد.

۱۲ تیر ۸۷

کارگران و حاصل استثمار همین کسانی است که امروز دست از پا درازتر اخراج می شوند. صحنه اخراج این کارگران نمایش هولناک ترین و جانخراش ترین فجایع بشری است. این صحنه برای هر کارگری، برای هر انسان شریف و آزاده ای، دنیای عظیمی از پرسش را به همراه دارد: چرا انسان هایی که با کار خویش کارخانه و دنیای سرمایه ها و بنیاد و شالوده واقعی قدرت ها یعنی همان سرمایه را خلق کرده اند تا این اندازه بی ارزش و درمانده و مفلوک هستند؟ چرا به این سادگی آنان را به برهوت گرسنگی و ذلت پرتاب می کنند؟ چرا مخلوق کار آنان به خدای قهار و جبار و بی عنان مسلط بر آن ها تبدیل شده است؟ چرا آنچه

سرمایه‌دار مالک کارخانه قند شیروان دستور اخراج ۵۰ کارگر را صادر کرده است. همه این کارگران دارای سوابق طولانی کار هستند. هیچ کدام کمتر از ۲۰ سال در این کارخانه کار نکرده اند. کل کارخانه، کل سرمایه های شرکت، کل سودهای سرسام آوری که صاحبان شرکت در طول این ۲۰ سال اندوخته اند، کل زندگی سرمایه‌داران، کل غذایی که افراد خانواده این سرمایه‌داران با آن سوخت و ساز کرده اند، کل فرش های نفیس زیر پایشان، کل بساط تفاخر و جاه و جلالتان، کل عیش و عشرت و مال و منالشان، کل اتوموبیل های آخرین سیستمشان، تمامی باغ و کاخ و ویلا و مستغلاتشان همه و همه محصول کار این

## اعتراض ۳ هزار کارگر ساختمانی در سندانج

پرداخت آن از عهده هیچ کارگر بخش ساختمان بر نمی آید. درست به همین دلیل تا امروز کارگران ساختمان همگی بدون بیمه هستند.

در شهر سندانج در چند روز قبل ۴ نفر از همین کارگران ساختمانی فاقد هر نوع پوشش بیمه در حین کار جان خویش را از دست دادند. به بیان دقیق تر، در حین تولید ارزش اضافی به دلیل فقدان هر نوع وسایل ایمنی توسط سرمایه کشته شدند. خانواده این ۴ کارگر به دنبال از دست دادن نان آوران خویش به باتلاق گرسنگی سقوط کرده اند. آنان هیچ راهی برای امرار معاش و ادامه حیات ندارند. ۳۰۰۰ کارگر ساختمان در سندانج علیه این جنایت سرمایه و دولت سرمایه‌داری دست به اعتراض زدند. آنان خواستار کاهش چشمگیر هزینه بیمه کارگران و در همان حال خواهان پرداخت حق بیمه به وارثان ۴ کارگر مقتول سوانح حین کار شدند.

۱۲ تیر ۸۷

اخراج و بیکاران را به صورت ارزان تر به کار بگیرد. حاصل همه این معلومات در معادلات جاری سرمایه‌داری درنهایت این است که جان کارگر واجد هیچ ارزشی نیست. این حکم در مورد کارگران بخش ساختمان از همه بخش های دیگر صادق تر است. درست به همین دلیل است که کارگران ساختمانی در هیچ دوره ای از تاریخ حیات سرمایه‌داری ایران تحت پوشش هیچ بیمه ای قرار نگرفته اند. این کارگران در همه دوره ها علیه این وضعیت اعتراض کرده اند و تصمیم اخیر دولت جمهوری اسلامی هم زیر فشار همین اعتراضات گرفته شده است. نهادهای دولتی سرمایه‌داری مجبور شدند در باره بیمه کارگر ساختمانی هم با هزاران ترفندبازی و عوام فریبی حرف بزنند، اما آنان به رغم این اجبار مسیر عوام فریبی را به گونه ای انتخاب کردند که هیچ کارگر ساختمانی حاضر به قبول بیمه نشود. دولت سرمایه برای بیمه شدن هر کارگر هزینه ای به دوش او خانواده او گذاشت که

کارگران ساختمانی در هیچ کجای ایران از جمله در شهر سندانج از هیچ نوع بیمه ای برخوردار نیستند. دلیل اصلی این امر بسیار روشن است. جان کارگر در نظام سرمایه‌داری دارای هیچ ارزشی نیست. جان او حتی از نیروی کار او، حتی از نیروی کار بسیار ارزان قیمت او در جامعه ای مانند ایران هم بی بهاتر است. شاید از شنیدن این حرف تعجب کنید اما واقعیت دارد. سرمایه‌داران به طور قطع به نیروی کار احتیاج دارند، زیرا نیروی کار تنها سرچشمه تولید ارزش اضافی و کل سرمایه است. اما سرمایه‌داران معمولاً و در بیشتر مواقع به بخشی از نیروی کار جامعه احتیاج ندارند. این بخش در محکمه شرع یا عرف سرمایه از موجودات زائد و بدردخور تشکیل می شود. جان اینان هیچ بهائی ندارد. بی ارزش بودن جان این بخش مبنایی برای بی ارزش بودن جان تمامی کارگران حتی کارگران شاغل نیز هست. زیرا سرمایه‌دار خوب می داند که در یک چشم به هم زدن می تواند شاغلان را

## اعتصاب چندین میلیون کارگر راننده در هند

کاملاً آگاه است و از همین روی خواستار گفتگوی فوری با دولت‌مردان سرمایه برای حل و فصل معضل اعتصاب است!! ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر راننده اعلام کرده اند که تا حصول مطالبات خویش دست از مبارزه نخواهند کشید و به اعتصاب ادامه خواهند داد.

ژوئیه ۲۰۰۸

آنان اعلام کرده اند که موج کوبنده گرانی‌ها سطح دریافتی‌های واقعی آن‌ها را به شدت کاهش داده است و زیر فشار این کاهش قادر به تأمین معاش خانواده خود نیستند.

سران اتحادیه کارگری به روال معمول چهارنعل برای پایان دادن اعتصاب و به سازش کشاندن آن تلاش می‌کنند. آقای چاران سینگ لوهارا رئیس اتحادیه رانندگان بی‌درنگ اعلام کرده که به خطر اعتصاب برای تولید کشور

بیش از ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر راننده در هندوستان دست از کار کشیدند. این اعتصاب یکی از بزرگ‌ترین اعتصابات سال‌های اخیر در سطح جهان به شمار می‌آید. علاوه بر شمار کثیر کارگران شرکت‌کننده، اهمیت بیش از حد صنعت حمل و نقل و کار کارگران این بخش نیز بر اهمیت موضوع به گونه‌ای چشمگیر می‌افزاید. رانندگان در اعتراض به فشار مالیات‌ها و افزایش بهای سوخت دست از کار کشیده‌اند.

## اعتصاب ده‌ها هزار کارگر در کره جنوبی

کارگر شرکت خودروسازی هیوندای موتور نیز با برپایی یک اعتصاب چند ساعته اعتراض خویش علیه تصمیم دولت سرمایه را به نمایش نهادند. کارگران اعلام کرده اند که در صورت امتناع دولت از عقب نشینی موج مبارزات، گسترش خواهد یافت. بر اساس گزارشات، ۱۳۰ هزار کارگر به اعتصاب خواهند پیوست.

ژوئیه ۲۰۰۸

توده‌های عظیم کارگر موجب شد که برای مدتی به ممنوعیت ورود گوشت از آمریکا رضایت دهد. دولت کره اینک دست به الغای مصوبات پیشین خود زده است، اقدامی که با موج مجدد اعتراضات و مبارزات بسیار گسترده کارگران رو به رو شده است. ۳۳ هزار کارگر اتوموبیل‌سازی کیاموتورز به همین دلیل دست به اعتصاب زده و چرخ کار و تولید کارخانه را یکسره متوقف کرده‌اند. در پی اعتصاب کارگران کیاموتورز، حدود ۴۵ هزار

دولت کره جنوبی ممنوعیت واردات گوشت گاو از آمریکا را لغو کرده است. کره جنوبی یکی از بازارهای مهم فروش گوشت گاو آمریکا است، گوشت‌هایی که فاقد استاندارد بهداشتی هستند و در سطحی بسیار وسیع مشکوک به حمل آلودگی مهلک و مرگبار جنون گاوی هستند. دولت سرمایه‌داری کره در چهارچوب تعهدات اقتصادی خود به انحصارات آمریکایی همواره خواستار ورود این گوشت‌ها بوده است، اما فشار سنگین اعتراضات و مبارزات

## قتل ۱۸ کارگر چینی توسط سرمایه در معدن ذغال سنگ

ما از ابتدایی‌ترین وسایل و امکانات ایمنی محروم هستیم. او گفت هیچ‌کسی به داد ما نمی‌رسد. معادن چین عملاً به قتلگاه کارگران این کشور تبدیل شده و کارگران حتی از کمترین امکانات ایمنی هم برخوردار نیستند.

ژوئیه ۲۰۰۸

کارگران در معادن مختلف این کشور قربانی سودآوری نظام جنایتکار سرمایه‌داری شده‌اند. سرمایه‌داران که تنها به فکر تلبار کردن سرمایه‌هایشان هستند، هیچ ارزشی برای جان کارگران قائل نبوده و نیستند. یکی از کارگران زخمی در حالی که در مرگ هم‌زنجیرانش می‌گریست در مقابل دوربین فیلمبرداری خبرنگاران حاضر شد و با چهره‌ای ملامال از خشم و نفرت از نظام سرمایه‌داری فریاد زد که

روز سه‌شنبه اول ژوئیه بر اثر وقوع انفجار در یکی از معادن زغال سنگ چین در منطقه شانکسی shaanxi ۱۸ کارگران هنگام تولید سود برای سرمایه‌داران خویش را از دست دادند. در زمان وقوع حادثه، ۲۸ تن از کارگران در اعماق این معدن مشغول به کار بودند. تنها ۱۰ نفر از این عده توانسته‌اند جان سالم به در ببرند. طبق آمار رسمی دولت چین، فقط در طول سال گذشته بیش از ۳۸۰۰ نفر از

## گزارشی کوتاه از کارخانه پاژن در شهر صنعتی قزوین

ورفت دارند. کارخانه حتی تشکل دولتی از جمله شورای اسلامی کار هم ندارد.

۱۲ تیر ۸۷

مصوبه حداقل دستمزد قانون کار است. میزان تولید روزانه کارگران ۱۵۰ دستگاه موتور در یک شیفت ۸ ساعته است. این کارخانه به بخش خصوصی تعلق دارد مالک آن فردی به نام حاجی میری است. به علت یک شیفت بودن از نهار خبری نیست، اما کارگران سرویس آمد

این کارخانه تولید کننده موتور اتومبیل پاژن به صورت مونتاژ است. ۵۰۰ کارگر را استنمار می‌کند که بیشتر آن‌ها قراردادی با زمان‌های مختلف ۳ ماهه و ۶ ماهه و یکساله هستند. در بین کارگران، کارگرانی با ۲۵ سال سابقه کار نیز حضور دارند. دستمزد کارگران طبق

## گزارشی از کارخانه پارس ایران

دریافت کنند. در مقابل، افزایش اعلام کرد که دیگر حاضر به تحمل این کارگران استخدامی

در مقابل کار فرما، جواد افراشته، دو ماه حقوق معوقه ( فروردین و اردیبهشت سال ۸۷ ) را

ده تن از کارگران پارس ایران (نساجی پارس نیت سابق) توانستند پس از مقاومت‌های مکرر

استانداردی گیلان وام های میلیاردی دریافت کرده، اما به جای بازسازی کارخانه پارس ایران اقدام به خرید کارخانه های دیگر مانند کارخانه موکت سازی در شهر صنعتی رشت و کارخانه جوراب بافی در جاده کوچصفهان - رشت کرده است. وی همواره مورد حمایت کروی و به اصطلاح اصلاح طلبان حاکمیت بوده است.

۱۲ تیر ۸۷

حالی که کارفرما به هرکدام از آن ها فقط ۴۰۰ هزار تومان و در مجموع فقط بیست میلیون و هشتصد هزار تومان پرداخت کرده است. به عبارت دیگر، کارفرما حدود چهارپنجم مطالبات معوقه کارگران را به جیب زده و در جای دیگری سرمایه گذاری کرده است و از محل آن سوداندوزی می کند. کارگران همچنان نسبت به گرفتن طلب خود از افراشته پا فشاری می کنند. لازم به ذکر است افراشته بارها و به ویژه از سال ۱۳۸۴ به بعد به بهانه ورشکستگی کارخانه از اداره صنایع و ستاد بحران

در داخل کارخانه نیست. کارگران هم اعلام کردند حاضرند برای روشن شدن تکلیفشان و توافق بر سر تسویه حساب با کارفرما مذاکره کنند. بعضی از این کارگران دارای حدود ۲۰ سال سابقه کار هستند.

افراشته تحت عنوان بازسازی و راه اندازی کارخانه و پرداخت مطالبات معوقه ۵۲ تن از کارگران بازنشسته ۲ میلیارد تومان وام از دولت گرفته است. این کارگران هر کدام بیش از ۲ میلیون تومان و در مجموع صد و چهار میلیون تومان از کارفرما طلبکار هستند. در

## ادامه مبارزه کارگران ایران خودرو

کارگری مجاز به اعتراض علیه توحش و شدت استثمار سرمایه نیست. آنان به همین دلیل فریاد خشم هر کارگر معترض علیه استثمار و بی حقوقی ها را یگراست تحریک ضد انقلاب می خوانند!!! سرمایه داران و دولت آن ها با طرح این اتهامات صرفاً ابعاد بی انتهای قساوت خود علیه کارگران را به نمایش می گذارند.

کارگران ایران خودرو تأکید کرده اند که به مبارزه برای تحقق مطالبات خود ادامه خواهند داد. آنان در فهرست خواسته های خود بر آزادی حق تشکل انگشت نهاده اند. کارگران ایران خودرو خوب می دانند که متشکل شدن نیازمند جلب موافقت سرمایه داران و دولت آن ها نیست و نوع تشکلی که مورد رضایت عمال سرمایه قرار گیرد نیز چاره درد آن ها نیست. سخن درست و واقعی این است که باید متشکل شد، باید هم علیه سرمایه داری و هم به صورت شورانی متشکل گردید. باید اعلام کرد که برای چه متشکل می شویم و باید با صدای رسا فریاد زد که حول مطالبات پایه ای ضد سرمایه داری طبقه کارگر متشکل می گردیم. باید تشکل شورانی و ضد سرمایه داری خویش حول مطالبات پایه ای ضد سرمایه داری را ایجاد کرد و موجودیت آن را با اتکا به قدرت عظیم طبقاتی خویش بر نظام سرمایه داری تحمیل نمود. روزهای کنونی و مبارزات جاری بستر بسیار مناسبی برای متشکل شدن حول این مطالبات است.

۱۲ تیر ۸۷

استثمار کارگران در چهارچوب این قراردادهای جنایتکارانه، اجبار توده های کارگر به تحمل بیشترین اضافه کاری ها، تحمیل فرساینده ترین و مرگبارترین شرایط کار بر آنان، افزایش مستمر سرعت و شدت و فشار کار در بخش های مختلف کارخانه و در یک کلام محروم کردن یک توده وسیع سی هزار نفری کارگر از هر نوع حق و حقوق انسانی و حداقل معیشتی اساس این سوداندوزی های کلان برای صاحبان سرمایه و دولت سرمایه دار بوده است. در طول چند دهه سرمایه شرکت هر سال غول آسا افزایش یافته و سطح زندگی و شرایط کار کارگران به مراتب از گذشته بدتر شده است. کارگران علیه این جنایات دست به مبارزه زده و فهرست مطالباتی که مطرح کرده اند بیاتنگر تلاش همدلانه و متحد آنان برای مقابله با تداوم و تعمیق این تعرضات بربرمنشانه سرمایه است.

حراست شرکت به دنبال شروع و گسترش مبارزات کارگران اطلاعیه ای صادر و در میان کارگران توزیع کرده است. حراست به روال متعارف کار سرمایه داران و دولت سرمایه داری سرچشمه اعتراض کارگران را نه شدت استثمار و بی حقوقی و سیه روزی های آنان بلکه تحریک عوامل ضد انقلاب عنوان کرده است!!! از دید صاحبان سرمایه و دولت آن ها سوختن در شعله های گرسنگی ناشی از استثمار جنایتکارانه سرمایه هیچ دلیلی برای اعتراض و خشم و مبارزه کارگران نیست. از دید اینان کارگران اساساً انسان نیستند و به عنوان انسان هیچ واکنشی در مقابل دنیای سبعیت و سفاکی سرمایه ندارند. از دید آنان هیچ

کارگران ایران خودرو دو روز است که در اعتراض به وضعیت کار و دستمزد و زندگی خویش، به صورت دسته جمعی از رفتن به رستوران کارخانه خودداری کرده اند. آنان با سر دادن شعار « زندگی شایسته حق مسلم ماست»، « اضافه کاری اجباری لغو باید گردد» و نوع این ها، با صدور اطلاعیه ای مطالبات فوری خویش را به شرح زیر اعلام کرده اند:

- ۱- آزادی تشکل های کارگری و عدم ورود حراست به سالن ها
- ۲- لغو اضافه کاری اجباری و برداشتن سقف اضافه کاری عادی
- ۳- افزایش حق آکورد (حق بهره وری)
- ۴- افزایش حقوق ها متناسب با افزایش قیمت ها در کشور
- ۵- لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران
- ۶- جلوگیری از گسترش شرکت های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت
- ۷- شرکت نمایندگان کارگران در کمیته طبقه بندی مشاغل
- ۸- شرکت نمایندگان کارگران در کمیته تشخیص کارهای سخت و زیان آور
- ۹- کاهش فشار کاری با استخدام نیروهای جدید ایران خودرو یکی از تراست های عظیم اتوموبیل سازی در سطح جهان است. در این شرکت هر سال حدود یک میلیون خودرو تولید می شود و محصولات آن حداقل به ۳۰ کشور مختلف دنیا صادر می گردد. سود سالانه شرکت سر به فلک می زند. سطح بسیار نازل دستمزدها، قراردادهای موقت کار و تشدید

## خطر حتمی اخراج در نساجی کردستان

تمامی راه ها کارگران شاغل باقی مانده را زیر فشار قرار داده است. تعویق طولانی مدت

کارگران است. او تا کنون شمار زیادی از کارگران را اخراج کرده است. با توسل به

سرمایه دار صاحب نساجی کردستان مدت ها است که دست به کار تعطیل کارخانه و اخراج

مصلح راه اندازی کارخانه به شکل رایگان و در همین گذر ایجاد یک جبهه گسترده تعرض علیه صاحبان سرمایه و دولت و کل نظام سرمایه‌داری است.

۱۱ تیر ۸۷

بکنند و در تاریکی زار بیکاری و گرسنگی و کوه مخاطراتی که بر خودشان و خانواده شان سنگین است چه راه نجاتی در پیش روی آن‌ها باقی است؟ به نظر ما تنها راه چاره این کارگران تشکیل شورای ضدسرمایه‌داری، تصرف کارخانه، فشردن دست همه کارگران در همه مراکز کار و تولید، استمداد از آن‌ها برای همه اشکال حمایت عملی، فشار تعیین کننده بر دولت سرمایه برای تحویل مواد و

دستمزدها، تهدید مستمر به بیکار سازی و نظایر این‌ها دستور کار همیشگی او بوده است. خطر تعطیل کارخانه و اخراج کلیه کارگران اینک به حادثترین مرحله خود رسیده است. عمال دولتی سرمایه مطابق معمول با تمامی قوا از سرمایه‌دار صاحب شرکت حمایت می‌کنند و برای اخراج دسته جمعی کارگران به او اختیار تام داده‌اند. سوال اساسی این است که کارگران نساجی کردستان در این شرایط چه می‌توانند

## اخراج کارگران به جرم مطالبه دستمزد

عجیب و غریب کارگران و مات و مبهوت از این که مگر کارگر دستمزد هم باید بگیرد!! سخت عصبانی شده و یکرست حکم اخراج ۲۰ نفر آن‌ها را صادر کرده است. کارگران اخراجی به صاحب سرمایه اعتراض کرده‌اند و پاسخ سرمایه‌دار این بوده که آنان به دلیل قراردادی بودن از هیچ حق و حقوقی نیز در هنگام اخراج برخوردار نخواهند شد و هیچ عیدی و پاداش یا مطالبات دیگر به آنان تعلق نخواهد گرفت.

۱۱ تیر ۸۷

درمورد کارگران یکی از کارخانه‌های شهر طبس جریان دارد نیز دقیقاً گوشه‌ای از همین حوادث است که به رغم همه شگفتی‌اش به راه و رسم معمول سرمایه‌داران ایرانی تبدیل شده است. در اینجا که حفظ حرمت و قداست سرمایه و شاید هم ربط آن با «واعظ طبسی» مانع از درج نام کارخانه در مطبوعات گردیده کارگران در گرمای ۵۵ درجه بدون داشتن هیچ امکائی و در مهلک‌ترین شرایط کار می‌کنند. آنان ماه‌ها است که ریالی دستمزد دریافت نکرده‌اند. عده‌ای از کارگران زیر فشار گرسنگی زن و فرزند، زبان به اعتراض گشوده و خواستار پرداخت دستمزد خود شده‌اند. سرمایه‌دار صاحب کارخانه با شنیدن این حرف‌های بسیار

وقتی که ماه‌ها و شاید سال‌ها کار بدون مزد کارگران به شیوه متعارف استثمار سرمایه و به روال طبیعی رابطه خرید و فروش نیروی کار در درون یک جامعه تبدیل شود پیداست که مطالبه دستمزد در برابر کار اندک به گناه کبیره و جرم سنگین اجتماعی تبدیل می‌شود. این مسئله در جهنم سرمایه‌داری ایران به طور واقعی رخ داده است و امروز فراوانند سرمایه‌دارانی که کارگر معترض به تعویق دستمزد را یکرست اخراج می‌کنند. تا کنون بارها اخبار این نوع بیکار سازی‌های را در جراید رسمی سرمایه خوانده ایم و شاید به تدریج حتی مطالعه این اخبار نیز حالت غیرطبیعی خود را از دست بدهد. آنچه هم اینک

## اخراج کارگران «تراش هاشم»

و سنت دیگر همتایان طبقاتی هموطن خود را نیز به صورت حساب شده و کامل به اجرا نهاده است. او هیچ ریالی عیدی و پاداش و هیچ حق و حقوق دیگری به کارگران اخراجی پرداخت نکرده است.

۱۱ تیر ۸۷

را به اجرا نهاده است. این شرکت به این حد بسنده نکرده و کوشیده است تا از طریق افزایش فشار، سختی و فرساینده‌گی کار از وجود عده‌ای کارگر بی‌نیاز گردد. به بیان دیگر، کار عده‌ای از کارگران را بر گرده بقیه بار کرده و حکم اخراج نیروی کار مازاد را صادر نموده است. سرمایه‌دار در این راستا تا لحظه حاضر ۲۴ کارگر تراش هاشم را بیکار ساخته است. صاحب شرکت علاوه بر همه این‌ها یک رسم

کارخانه «تراش هاشم» در استان سمنان قرار دارد و شمار زیادی کارگر را استثمار می‌کند. این کارخانه قطعات فلزی مورد نیاز شرکت سایپا را تولید می‌کند و با شرکت‌های صنعتی بزرگ دیگری مانند مگاموتور و محورکاران قرارداد تحویل محصول دارد. شرکت تراش هاشم با همه این‌ها مدتی است که اصل همه‌جا گیر و حیاتی سرمایه‌داری ایران در مورد تعویق طولانی مدت پرداخت دستمزد کارگران

## واگذاری کارخانه نساجی بروجرد و اخراج کارگران

شوند. تمامی این تغییر و تحولات مراحل مختلف اجرای خود را طی کرده است و هم اکنون ۱۵۰۰ کارگر نساجی بروجرد در خطر اخراج حتمی قرار گرفته‌اند.

۱۱ تیر ۸۷

خویش در نظام سرواژ کارگران را هم به همین شرکت‌ها واگذار ساخته است. او این کار را نکرده است که کارگران برای شرکت مقاطعه کاری تحویل گیرنده کار کنند. محتوای قرارداد این است که کارگران که همگی قدیمی و دارای سال‌ها سابقه کار و تجربه و مهارت هستند از حالت استخدامی به کارگران قراردادی تبدیل شوند و پس از عبور از این فاز یکرست اخراج

در جامعه کشف و کرامات، طبیعی است که صاحبان سرمایه و نظام سرمایه‌داری پیشکسوتان واقعی همه کشفیات و کرامات‌ها باشند. سرمایه‌دار صاحبان کارخانه نساجی بروجرد از جمله این کاشفان نافروتن بسیار چالاک و چاره‌پرداز است. او کارخانه خود را به شرکت‌های مقاطعه کاری واگذار کرده است. همراه با این کار به شیوه اسلاف نوع غربی

## اعتراض کارگران معدن قلعه زری

زری بارها از این بی حقوقی ها، مظالم، تحقیرها و رفتار ضد انسانی سرمایه‌دار به نهادهای دولتی سرمایه‌شکایت برده اند. اما آنان نه فقط هیچ نتیجه‌ای نگرفته اند که عین همان اهانت‌ها و برخوردهای نفرت‌انگیز کارفرما از جانب عمل دولتی سرمایه‌نیز علیه آن‌ها تکرار شده است.

۱۱ تیر ۸۷

قلعه زری در همه این جهات بیشترین فشارها و فرساینده‌گی‌ها را تحمل می‌کنند. آنان در قبال این همه مرارت و زجر و بدبختی که حین کار متحمل می‌شوند حتی یک ریال هم بابت سختی شرایط کار دریافت نمی‌کنند. معضل به همین جا خاتمه نمی‌باید. صاحب معدن در تمامی طول سال‌های کار کارگران حتی یک ریال بابت حق سنوات هم به کارگران نداده است. این رشته سر دراز دارد. رفتار سرمایه‌دار صاحب معدن با کارگران رفتاری بسیار نفرت‌انگیز و جنایتکارانه است. هیچ کارگری حق گفتن هیچ حرفی در مقابل او ندارد. کارگران معدن قلعه

معدن قلعه زری در شهر بیرجند در استان خراسان قرار دارد و ۳۰۰ کارگر را استثمار می‌کند. شرایط کار کارگران در این معدن همانند همه معادن دیگر دنیا بسیار سخت است. یک تفاوت مهم کار این کارگران و به طور کلی کارگران معدن در ایران با همزنجیران دیگر خویش در برخی کشورها این است که سختی و طاقت فرسایی و مهلک بودن شرایط کار با فقدان کامل هر نوع وسایل ایمنی، هر نوع امکانات حفظ جان توده‌های کارگر، نازل‌ترین میزان دستمزد و ده‌ها محرومیت و معضل و بدبختی دیگر به هم آمیخته است. کارگران معدن

## اخراج کارگران پست سنندج

سنندج علیه این بیکارسازی‌ها دست به اعتراض زده اند. آنان با تشکیل یک اجتماع اعتراضی در مقابل ساختمان استانداری کردستان در شهر سنندج خواستار ادامه اشتغال خود شدند.

۱۱ تیر ۸۷

سودهای صاحبان سرمایه دلیل اصلی بیکارسازی‌ها بوده است. از این که بگذریم، در نظام بردگی مزدی هر نوع پیشرفتی در زمینه علوم و اختراعات و تکنیک و صنعت به جای آن که قاتق نانی برای کارگران به دنبال داشته باشد یکراست به قاتل جان آنان مبدل می‌گردد. امکانات عظیم اینترنتی در جوامعی مانند ایران در دسترس اکثریت عظیم کارگران نیست، اما موج بیکارسازی ناشی از آن دامن بخش وسیعی از کارگران پست را گرفته است. کارگران پست

اداره پست سنندج ۱۰۰ کارگر را بیکار ساخته است. اخراج کارگران پست مدت‌ها است که به روال کار متعارف همه دولت‌ها در همه کشورها تبدیل شده است. در بسیاری از جوامع شمار مراکز پستی و تعداد کارگران به صورت هولناکی کاهش یافته است. افزایش فشار بر نیروی کار و سرشکن کردن کار صدها کارگر بر گرده تعدادی انگشت شمار، صرفه‌جویی در اجاره بهای ساختمان و سایر هزینه‌ها و در یک کلام ضرورت افزایش اضافه‌ارزش‌ها و

## کارگران «پیک شیمی» و معضل قرارداد موقت

کرده اند اما هیچ تغییری در وضع زندگی و شرایط کار آنان پدید نیامده است.

۱۱ تیر ۸۷

نیست. کارگران در شرایط سخت کار می‌کنند و از این بابت هیچ نوع مزایا و پاداشی دریافت نمی‌کنند. کارگران قراردادی کار می‌کنند و به همین جرم یا به دلیل همین جنایت تحمیل شده از سوی کارفرما از هیچ حق و حقوق انسانی برخوردار نیستند. این کارگران مدت‌ها است که فریاد اعتراض خویش را علیه این وضعیت بلند

در کارخانه پیک شیمی ۵۰ کارگر کار می‌کنند. شرایط کار این کارگران از همه لحاظ به کار با اعمال شاقه شباهت دارد. مقدم بر هر چیز هیچ کارگری نمی‌داند که آیا فردا هم بر سر کار خواهد بود یا نه. کارگران از هیچ نوع امنیت شغلی برخوردار نیستند. هیچ فردی از این ۵۰ کارگر از هیچ نوع بیمه‌ای برخوردار

## زیمنس و بیکارسازی گسترده نیروی کار

صاحب شرکت علاوه بر بالا بردن بازدهی تولید و بارآوری کار برای دستیابی به سودهای سرسام‌آورتر به تمامی جنایات دیگر نیز دست می‌زنند. از جمله حجم بسیار عظیمی از سرمایه‌ها را راهی کشورهای می‌کنند که در آنجا بهای نیروی کار ده‌ها برابر از دستمزد کارگر آلمانی و اتریشی ارزان‌تر است. در حوزه‌های جدید پیش‌ریز سرمایه‌های این شرکت‌ها کارگران از هیچ بیمه و تضمین شغلی و هیچ نوع حق و حقوق انسانی برخوردار نیستند. زیمنس و شرکت‌های مشابه آن از این

پدیده ذاتی و جبری شیوه تولید سرمایه‌داری است. سرمایه‌تاریخاً در این راستا پیش‌تاخته و در هر گام با افزایش بی‌مهاری شدت کار، سرعت کار و فرساینده‌گی کار حجم بسیار عظیم تری از محصول را توسط شمار هر چه کمتری کارگر تولید کرده است. سرمایه از این طریق فشار استثمار کارگر را به حداکثر رسانده و انحلال هر چه کامل‌تر هست و نیست کارگر درملزومات سودآوری سرمایه را جامه عمل پوشانده است. زیمنس حدود ۱۸۰۰۰ کارگر اروپایی را یکجا بیکار می‌سازد. سرمایه‌داران

شرکت زیمنس ۱۷۰۰۰ کارگر را در آلمان و بیش از ۶۰۰ کارگر را در اتریش بیکار می‌کند. زیمنس در میزان تولید خود هیچ کاهشی پدید نمی‌آورد و چه بسا میزان سالانه آن را افزایش دهد. مدیر شرکت اعلام کرده که برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و دستیابی به ارقام سود نجومی‌تر نیاز به صرفه‌جویی در نیروی کار دارد. او رقم این صرفه‌جویی را ۲۰۰ میلیون یورو اعلام کرده است. افزایش بارآوری و بازدهی کار، به بیان دیگر، تولید محصولات هر چه انبوه‌تر با حداقل نیروی کار

## اعتصاب کارگران لوفت هانزا

بر روی میزان افزایش پیشنهادی دستمزدها پافشاری خواهند کرد.

ژوئیه ۲۰۰۸

دستمزد به میزان ۸/۹٪ هستند. سرمایه‌داران صاحب لوفت هانزا این درخواست را قبول نکرده و اعلام داشته‌اند که به بیش از ۴/۳٪ رضایت نمی‌دهند. اعتصاب در روزهای آینده ادامه خواهد یافت و کارگران تأکید کرده‌اند که

کارگران شرکت لوفت هانزا در چند فرودگاه مهم اروپا دست از کار کشیده‌اند. با شروع اعتصاب کارگران، حداقل ۲۸ پرواز داخلی و بین‌المللی لوفت هانزا در فرودگاه‌های فرانکفورت، مونیخ، اشتوتگارت و کلن به طور کامل متوقف شد. کارگران خواستار افزایش

## اعتصاب سراسری معلمان نیجریه

خواهند ساخت. آنان همچنین تأکید کرده‌اند که دامنه اعتصاب و تعطیلی مدارس را به همه مناطق کشور خواهند کشاند.

ژوئیه ۲۰۰۸

دروغ بوده است. آنان به همین دلیل موج جدید اعتصاب را بسیار گسترده‌تر و نیرومندتر آغاز کرده‌اند. سطح حقوق کارگران معلم در کشور نیجریه بسیار پایین است. روزهای شروع اعتصاب با امتحانات پایان سال دانش‌آموزان در مدارس مختلف کشور و در سطوح متفاوت آموزش همزمان است. معلمان اعلام کرده‌اند که کل امتحانات را در همه سطوح مختل

معلمان نیجریه در اعتراض به سطح بسیار پایین دستمزدهای خود دست از کار کشیده‌اند. اعتصاب از دو هفته پیش آغاز شد و دولت نیجریه زیر فشار مبارزات توده‌های کارگر بخش آموزش مجبور به دادن وعده و وعید شد. معلمان پس از سه روز، کار خویش را شروع کردند اما بسیار زود دریافته‌اند که وعده‌های دولت سرمایه‌داری نیجریه یکسره ترفند و

## اعتصاب غذای کارگران ایران خودرو

کردند که هم‌اکنون به علت فقدان قطعات، تولید در برخی از سالن‌های ایران خودرو از جمله سالن ۹۰ متوقف شده و به همین دلیل طرح توقف تولید در شرایط کنونی درست نیست، زیرا ممکن است مدیریت کارخانه از این حرکت کارگران سوء استفاده کرده و دست به اخراج کارگران این سالن‌ها بزند. گسترش توقف تولید به قسمت‌های دیگر ایران خودرو کارگران این کارخانه عظیم را دچار نگرانی کرده است.

۱۱ تیر ۸۷

کارگران و سختی کار کارگران سالن‌های تزیینات از جمله دلایل این اعتصاب بوده است. کارگران سالن مونتاژ به طور کامل در این اعتصاب غذا شرکت داشتند و در هر سه وعده صبح و ظهر و شب دوشنبه به سالن غذاخوری نرفتند. در سالن شاتل نیز اکثریت کارگران به عنوان اعتراض غذای کارخانه را تحریم کردند. امروز سه شنبه نیز اعتراض کارگران به طور پراکنده ادامه داشت، اما برخی از کارگران به جای اعتصاب غذا، توقف تولید را مطرح می‌کردند. در مقابل، برخی دیگر از کارگران مطرح می‌

کارگران کارخانه ایران خودرو صبح دوشنبه ۱۰ تیر ۸۷ دست به اعتصاب غذا زدند و در ساعت غذا از حضور در غذاخوری شرکت خودداری کردند. این اعتراض از پنج شنبه قبل سازمان داده شده و از سوی خود کارگران اطلاعیه‌ای مبنی بر فراخوان به اعتصاب غذا از روز دوشنبه در سطح کارخانه پخش شده بود.

اعتراض به اضافه کاری اجباری روزهای جمعه، تغییر مدت شیفت‌های کار کارگران، پایین بودن حق بهره‌وری و سایر مزایای نقدی

## اعتصاب رانندگان اتوبوس در سوئد

این جماعت، برای سرمایه و برای نظام سرمایه‌داری آتش گرفتن تمام بشریت نیز به هیچ نوع احساس آزرگی نمی‌انجامد. از دید اینان فقط «عمر اضافه ارزش‌ها» به سلامت باد! توسل به اعتصاب و اختلال در ترافیک شهر سلاح مؤثری است که کارگران راننده باید و مجبورند که علیه صاحبان سرمایه به دست گیرند. کارایی این سلاح در همان حال در گرو حمایت مؤثر و بی‌دریغ اهالی هم‌زنجیر این کارگران در سطح شهرها است. اینانند که باید دست در دست کارگران راننده مشت کوبنده اعتراض را بر سر سرمایه‌داران فرود آورند و

تسهیلات دیگر هستند. پیشنهادات تاکنونی هیئت حل اختلاف با توافق کارفرمایان و با مخالفت سرسخت کارگران روبه‌رو شده است. با شروع اعتصاب در نخستین روز ماه ژوئیه فقط در شهر استکهلم بیش از ۲۵۰۰۰۰ سکنه این شهر به صورت جدی با معضل ایاب و ذهاب دست به گریبان می‌شوند. جمعیت کثیر توریست نیز طبیعتاً همسان سایرین از این معضل رنج خواهد برد. سرشکن شدن بار مشکل ترافیک بر دوش توده‌های مردم طبیعتاً چیزی نیست که خاطر هیچ سرمایه‌دار یا هیچ دولت سرمایه‌داری را در هیچ سطحی بیازارد. برای

نیمه شب امشب ۶۰۰۰ راننده خطوط اتوبوسرانی شهری در سوئد دست از کار خواهند کشید. از این تعداد ۴۰۰۰ نفر در استکهلم با زنگ ساعت یک بامداد اول ژوئیه تمامی مناطق شهر را در اختلال کامل ترافیک غرق خواهند ساخت. موج دوم اعتصاب از هشتم همین ماه در منطقه موسوم به Norbotten آغاز خواهد شد و در صورت سرپیچی کارفرمایان از قبول مطالبات اعلام شده کارگران، در روز ۱۵ ژوئیه موج سوم اعتصاب دو موج پیشین را تکمیل خواهد کرد. رانندگان خواستار افزایش دستمزد و برخی

در همین لحظات با اغتمام فرصت در همدستی صریح و بی پرده با سرمایه‌داران و اتحادیه کارفرمایان، کاری ترین ضربات را بر پیکر اعتصاب وارد می‌سازند. آنچه در مورد معلمان نروژ، پرستاران سوئد و کارگران همه جاهای دیگر رخ داده است در این زمینه بسیار گویا است. رانندگان اتوبوس های شهری سوئد باید با چشم باز مراقب این دشمنان اندرونی باشند.

ژوئن ۲۰۰۸

و همه جاهای دیگر سوئد باشند. شیوه معمول و متعارف اتحادیه ها این است که در آغاز زیر فشار موج خشم و نارضائی و عصیان کارگران با اعتصاب همدلی نشان می دهند. اما درگام بعدی شروع به زمینه سازی وسیع برای به سازش کشاندن مبارزات می کنند. مدتی منتظر می مانند تا کارگران دچار تردید و دلسردی شوند. در بخش هایی نظیر ترافیک و درمان روی خستگی و نارضائی اهالی نیز کاملاً حساب می کنند. اتحادیه های کارگری درست

هر لحظه اختلال ترافیک را به عنوان سند جنایت و شرارت سرمایه به کیفرخواستی علیه سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری تبدیل کنند. یک خطر همیشه بالفعل که اعتصاب کارگران را تهدید می کند آمادگی مدام اتحادیه برای پایان دادن به اعتصاب علیه کارگران و به نفع نظام سرمایه‌داری است. کارگران راننده باید با هشجاری و بصیرت کامل مترصد دفع این خطر باشند. تجربه اعتصاب پرستاران باید درس عبرتی برای رانندگان اتوبوس شهری استکھلم

## قتل عام بی امان بردگان مزدی در آستان سرمایه

آدمیزاد جز سازمان دهی آگاهانه حمام خون علیه کارگران چه معنای دیگری دارد؟ علت این کشتار درحین کار جز بی ارزشی مطلق جان انسان های کارگر و افراد خانواده آن ها چیست؟ آنچه در شهریار رخ داده نسخه مطابق اصل همین جنایت سعادت آباد است. در اینجا نیز کارگری هنگام کار در یک بنای مخروبه بدون داشتن هیچ نوع لوازم ایمنی در زیر آوار دفن شده است. در محمدرک کرج در یک چشم به هم زدن ۱۷ کارگر راهی دیار مرگ می شوند، تنها به این دلیل بسیار ساده که از هیچ امکان ایمنی محیط کار برخوردار نبوده اند و سرمایه‌داران صاحب شرکت بهای لوازم ایمنی کارگران را به دنیای سود خود اضافه کرده اند. بالاخره واقعه غم انگیز یاسوج در طول همین شبانه روز سند روشن دیگری از بشرستیزی و قتل عام کارگران توسط سرمایه است. در اینجا ۵ کارگر به فواصل زمانی بسیار کوتاه، به درون چاه می روند تا پمپ آب صاحب سرمایه را تعمیر کنند. آب درون چاه با سیم لخت برق در تماس بوده است. هیچ یک از این کارگران از مهلکه جان سالم به در نمی برند و همگی در عمق چاه جان می بازند. برای سرمایه‌دار صاحب شرکت مرگ و میر این کارگران شاید آن قدر بی اهمیت بوده که گفتن حتی یک کلام درباره امکان وجود کابل لخت برق درون چاه بسیار غیرضروری و وقت گیر تلقی می شده است. شاید هم این سرمایه‌دار مثلاً برای رفع مسئولیت خود این هشدار را به کارگران مقتول داده و آنان را مخیر به رفتن یا نرفتن به درون چاه کرده باشد. اما آیا گرسنگی کارگر و خانواده اش اساساً جایی برای انتخاب بین رفتن یا نرفتن به استقبال مرگ را می گذارد؟

اکنون پرسشی که باید ذهن هر کارگر و هر انسان شریف و آزاده ای را به خود مشغول کند این است: این همه جنایت، این همه شرارت و انسان ستیزی، این همه قتل عام فجیع داغ لعنت خوردگان، این همه گرسنه ساختن افراد خانواده های آن ها به دنبال ذبح معصومانه شان در آستان سرمایه تا کجا قرار است ادامه یابد؟ چگونه می توان بر کشتار بی امان کارگران ایران در حین تولید ارزش اضافی برای سرمایه نقطه پایان گذاشت؟

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

۱۰ تیر ۱۳۸۷

[www.hamaahangi.com](http://www.hamaahangi.com)

[hamaahangi@gmail.com](mailto:hamaahangi@gmail.com)

آنچه سرمایه در ایران با جان کارگران می کند داستان دردناک و جانخراشی است که به راستی روی کارنامه سراسرنجایت برده داران روم باستان و شاهان عادل آریایی آن زمان را سفید کرده است. هر روزنامه ای را که بازی کنی خبر از مرگ فجیع شماری کارگر در حین کار برای سرمایه‌دار. هنوز بوی گوشت های سوخته ۵۰ کارگر شازند اراک در شعله های سودجویی سرمایه در فضای آن شهر پخش است که حادثه سعادت آباد تهران و مرگ فجیع ۱۹ کارگر دیگر در کشتارگاه سرمایه از راه می رسد. این حادثه چنان هولناک و هراس انگیز است که حتی قاضی مرتضوی، دادستان سرمایه، را به اعتراض وامی دارد و بی شک برای تحت الشعاع قرار دادن عمق فاجعه و یا تسویه حساب های جناحی سرمایه‌داران بی درنگ دستور بازداشت چند تن از مسببان حادثه را صادر می کند. اما واقعه دیگر نیز دست کمی از این حادثه ندارد. سخن از حمام خون ۱۷ کارگر در کارخانه برق محمدرک در حوالی کرج است. در شازند اراک آتش سرمایه بود که ده ها کارگر را در شعله های شرربار سودجویی برای همیشه خاکستر کرد. در سعادت آباد تهران آوار سود جویی بی عنان سرمایه است که ۱۹ کارگر را در زیر توده های انبوه خود دفن کرده است. در محمدرک کرج باز هم حریق سودجویی سرمایه است که جان ۱۷ انسان کارگر را یکجا به قربانی می گیرد. فاجعه اما حتی در طول یک شبانه روز به این جاها ختم نمی شود. حمام خون ادامه دارد و کشتار کارگران توسط سرمایه زنجیروار پشت سرهم در برابر چشمان ما ردیف می شوند. سرمایه در شهریار عین ماجرای سعادت آباد را در حق کارگران تکرار کرده و در شهر یاسوج پنج تن دیگر از بردگان مزدی نفرین شده جهنم سرمایه‌داری را در عمق چاه تسلیم کابوس مرگ ساخته است. آن سوتر، در شهر طبس در معدن ذغال، کارگر راننده ای که برای نجات جان همزنجیر مصدوم خود تقلا می کرده به دلیل شرایط وحشتناک محیط کار دچار سانحه شده و جان سپرده است. اینان فقط قربانیانی هستند که اخبار قتل آن ها به رسانه ها راه یافته است. آمار حقیقی به طور قطع چندین برابر است. در ظرف فقط یک شبانه روز با یک حساب ساده سرانگشتی مطابق گزارشات رسمی سرمایه ۴۳ نفر در کشتارگاه های تولید سود تسلیم مرگ شده اند و صدها انسان عضو خانواده آن ها به مرگ در برهوت گرسنگی محکوم گردیده اند. ساختمان هفت طبقه سعادت آباد به اعتراف خود عمال سرمایه در خطر ریزش حتمی بوده است. این ساختمان به همین دلیل به طور کامل از ساکنان آن تخلیه شده بوده است، اما ۱۹ کارگر ساختمانی به حکم سرمایه‌دار صاحب شرکت بدون هیچ نوع وسائل ایمنی و بدون هیچ محاسبه و هیچ تدارکی در هیچ سطحی برای حفظ جان آن ها، مشغول کار و به اصطلاح استراحت در این بنا می شوند. این برخورد با جان

## اجتماع اعتراضی معلمان کرمانشاه

مقابل اداره آموزش و پرورش شهر علیه همین جنابیت برپا شد. سخن معلمان در این تجمع آن بود که تعویق پرداخت دستمزدها فقط بلای سهمگین زندگی شاغلان نیست. حتی معلمان بازنشسته نیز چند ماه چند ماه یک بار حقوق می گیرند. تعویق در پرداخت حقوق کارگران آموزش و پرورش در بسیاری از شهرها به چنان امر رایجی تبدیل شده که هر گاه به دنبال ماه های طولانی یک ماه حقوق عده ای از آن ها پرداخت می شود، موضوع به صورت امری خارق العاده برای روزهای طولانی به خوراک تبلیغات رسانه های رسمی سرمایه تبدیل می شود.

۱۰ تیر ۸۷

فکر کنیم که نظام سرمایه‌داری در گام های بعد قرار است چه بلاهای تازه ای بر سر توده های طبقه کارگر بیاورد. در جامعه ای که بر اساس همه شواهد و مطابق نص صریح گزارشات رسمی دولت در طول این چند سال حجم سرمایه گذاری ها سر به فلک کشیده است، در جامعه ای که فقط یک قلم اضافه ارزش های تصاحب شده توسط طبقه سرمایه‌دار در بخش نفت در قیاس با چند سال پیش ۱۴ برابر فزونی یافته است، در جامعه ای که سرمایه های سر به فلک کشیده سرمایه‌دارانش بازار انباشت عراق و آمریکای لاتین و جمهوری های آسیایی شوروی سابق را آکنده ساخته است، آری در چنین جامعه ای دستمزد بسیار ناچیز توده های عظیم کارگر ۶ ماه ۶ ماه و گاه چند سال چند سال پرداخت می شود. اجتماع اعتراضی معلمان کرمانشاه در

تأخیر در پرداخت دستمزدهای کارگران از کارخانه ای به کارخانه دیگر، از مدرسه ای به مدرسه بعدی و از هر حوزه کار و تولید به حوزه های مجاور با سرعت تمام گسترش می یابد. اگر تا چند سال قبل کارگر نساجی و چوب و کفش بود که بسیار دیر دیر حقوق می گرفت یا بیکار می شد و به دیار گرسنگی پرتاب می گردید، امروز هیچ بخشی از طبقه کارگر ایران از شر این مصیبت مهلک در امان نمانده است. در خبرهای مندرج در همین سایت و خبرنامه آن تا حال دیده ایم که معلمان این شهر و آن شهر ماه ها است که در قبال کار خویش هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. بسیاری از معلمان کرمانشاه نیز در زمره همین جمعیت هستند. اینان نیز ۶ ماه است که کار کرده اند و هیچ ماهی هیچ ریالی دریافت نکرده اند. برای لحظه ای به این

## بیکاری ۲۵۰۰ کارگر در کارخانه های زنجان

قدرت وسیع طبقاتی بر دولت سرمایه‌داری برای تحویل رایگان تمامی مواد و نیازهای خط تولید به شوراهای کارگری ضدسرمایه‌داری، تنها طریق موفق پیکار در این قلمروها است. این کار به طور واقعی مقدور است، اما مستلزم اراده مصمم همه کارگران، اتحاد آن ها علیه سرمایه، ایجاد شورای ضدسرمایه‌داری و انتقال لکوموتیو مبارزه طبقاتی به ریل این نوع اقدامات و راهکارها است.

۱۰ تیر ۸۷

اند. تعداد واحدهای در دست تعطیل بالغ بر ۴۲ است و شمار کارگرانی که به زودی بیکار می شوند به ۲۵۰۰ نفر بالغ می گردد. آنچه در اینجا رخ می دهد هیچ پدیده جدیدی در جهنم سرمایه‌داری ایران نیست. روند تعطیل کارخانه و اخراج کارگر همه جا جریان دارد. مقابله با این روند سطح جدیدی از مبارزه و قلمرو خاصی از تمرکز جنگ و ستیز را طلب می کند. تشکیل شوراهای ضد سرمایه‌داری، تصرف کارخانه های در حال تعطیل، تلاش گسترده و سازمان یافته برای جلب حمایت توده همزنجیر در مناطق مختلف کشور، اعمال

کارخانه های تولید روی زنجان یکی پس از دیگری تعطیل می شوند و کارگران این شرکت ها فوج فوج بیکار می شوند و به خیل عظیم بیکاران همزنجیر خویش می پیوندند. صاحبان کارخانه ها مطابق معمول از مشکلات خط تولید مانند وجود خاک نامرغوب، افزایش بهای اسید، عوارض صادرات و کاهش قیمت جهانی روی سخن به میان آورده و لیست بهانه های خود برای انتقال سرمایه هایشان به حوزه های پرسودتر و بیکارسازی کارگران را تکمیل کرده اند. تا لحظه حاضر شرکت های تولیدی زرین و خالص سازان ۳۲۰ نفر را اخراج کرده

## سرمایه و کشتار تدریجی کارگران با مواد شیمیائی

کنند. یک نمونه معین همین ترفند بازی ها گزارشی است که معاون مرکز سلامت محیط کار وزارت کار تهیه و منتشر کرده است. پیدا است که آنچه در این جا درج شده نه واقعیت بلکه کاریکاتوری از آن است. با این همه، حتی بر اساس همین گزارش در ۱۳ درصد مراکز کار و تولید کشور محیط کار آلوده به انواع مواد شیمیائی بیماری زا و مرگبار است. گزارش اضافه می کند که ۲۲٪ نیروی کار جامعه در این مراکز کار می کند و به طور مستمر در معرض ابتلا به مرگبارترین بیماری ها هستند.

۱۰ تیر ۸۷

دستکاری و جرح و تعدیل بسیار منتشر می کنند. این که چرا این بخش از روزنامه ها این کار را می کنند نباید برای هیچ کارگری تعجب آور یا باعث توهم باشد. سرمایه‌داران به این نوع عوام فریبی ها نیز احتیاج دارند. آنچه در این قالب و با این پوشش انجام می گیرد در ذات خود از سنخ همان ترفندبازی ها، دروغ پردازی ها و توهم آفرینی های دیگر است. صاحبان سرمایه، نهادهای دولتی سرمایه‌داری و مبلغان « انسانی بودن»! نظام بردگی مزدی با این کارها می خواهند بذر این توهم را در مغز کارگران بکارند که گویا آنان به مشکلات توده های کارگر و ایمنی جان آن ها هم فکر می

وظیفه بوق های تبلیغاتی و رسانه های جمعی سرمایه چیزی جز عوام فریبی، شستشوی مغزی کارگران و مسخ و انجماد افکار عمومی در چهارچوب نیازها و مصالح ارزش افراپی سرمایه نیست. به همین دلیل نباید انتظار داشت که هیچ روزنامه رسمی سرمایه هیچ حقیقتی را درباره چند و چون شدت استثمار کارگر یا جناباتی که سرمایه علیه کارگران روا می دارد در جایی منعکس سازد. با این همه، رسانه ها برخی اوقات به صورت حساب شده و نقشه مند مرزهای ممنوعه را پشت سر می نهند و اینجا و آنجا به طور مثال در مورد شرارت هایی که علیه کارگران اعمال شده است نکاتی را با

## اعتصاب سراسری کارگران در پرو

پیش دچار کاهش و زوال می شود. کارگران پرو اعلام کرده اند که خواستار تغییرات جدی در وضع زندگی خود هستند. آنان تاکید کرده اند که اعتصاب خود را تا دستیابی به نتیجه ادامه خواهند داد.

ژوئن ۲۰۰۸

استثمار و فشار سراسر آوری حقوقی ها و جنایات سرمایه دست به کار مبارزه و سازمان دادن پیکار طبقاتی خویش شده اند. کارگران در همه جا فریاد می زنند که سود شرکت ها و انحصارات عظیم صنعتی و مالی در آمریکای لاتین سر به کوهستان ها می ساید، اما دستمزدهای واقعی آنان و سطح زندگی و امکانات اجتماعی شان هر روز بیش از روز

کارگران پرو در سطح سراسری دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و معیشت خود هستند. در طول یکی دو سال اخیر کشورهای مختلف آمریکای لاتین یکی پس از دیگری شاهد وقوع اعتصابات بسیار عظیم کارگران بوده است. توده های کارگر این قاره، در شیلی، مکزیک، آرژانتین و جاهای دیگر علیه شدت

## بیکارسازی ۱۴۰۰۰ کارگر در ذغال سنگ کرمان

شاید سؤال شود و در واقع بسیار درست است که سؤال شود آیا اگر این شرکت در مالکیت دولت باقی می ماند، باز هم وضع کارگران چنین می شد و همین سرنوشت به سراغ آن ها می آمد؟ پاسخ ما به این سؤال به طور کامل مثبت است. واقعیت این است که به احتمال بسیار زیاد چنین می شد، گو این که برخی شرکت های دولتی نیز عین همین وضع را دارند و همین بلاها را بر سر کارگران می آورند. نیشکر هفت تپه یک نمونه بسیار گویا در این زمینه است. تاکید مکرر و همیشگی ما بر این نکته که بحث اساساً بر سر خصوصی یا دولتی بودن سرمایه نیست هم درست به همین دلیل است. هر چه هست از ذات سرمایه است و مالک سرمایه عملی را انجام می دهد که ملزومات ارزش افزایی و سودآوری بیشتر سرمایه از او می خواهد. در همین جا یک سؤال بسیار مهم دیگر مطرح می شود که اگر چنین است پس راه حل کارگران در مقابل خصوصی سازی ها چه می تواند باشد؟ این یک سؤال بسیار مهم و واقعی است. پاسخ آن نیز هیچ عجیب و غریب نیست. وقتی که دولت سرمایه داری یا به طور کلی طبقه سرمایه دار از خصوصی سازی صحبت می کنند و دنیایی جنجال و عوام فریبی در وصف این دسیسه خود به راه می اندازند، پاسخ یا بدیل ما مطلقاً این نیست که کارخانه باید دولتی بماند و خصوصی نشود. برعکس، بدیل ما این است: **نه دولتی، نه خصوصی، اداره کارخانه توسط شورای ضد سرمایه داری کارگران.** این حرف دل کارگران است، اما صرف حرف هیچ مشکلی را حل نمی کند. ما باید با چنگ و دندان برای ایجاد این شوراها تلاش کنیم و باید جریان مبارزه روزمره خود با سرمایه داران و دولت آن ها را به میدان ایجاد شورای ضد سرمایه داری هر مرکز کار و تولید، تشکیل شورای سراسری ضد سرمایه داری طبقه کارگر، به دست گرفتن برنامه ریزی کار و تولید کارخانه ها و دیگر امور لازم برای تحصیل و تثبیت پیروزی تبدیل کنیم. ۹ تیر ۸۷

کاهش هر چه بیرحمانه تر بهای نیروی کار سوء استفاده شود. خصوصی سازی ها صورت می گیرد تا چیزی به نام بیمه درمان یا هر نوع پوشش بیمه ای در هیچ کجا برای هیچ کارگری باقی نماند. کارخانه خصوصی می شود تا همان امکانات ناچیز یک وعده غذا و سرویس ایاب و ذهاب و نوع این ها هم به طور کامل سلاخی شود. علاوه بر این ها، در موارد زیادی خصوصی سازی ها به قصد فروش کارخانه های دولتی به قیمت بسیار ارزان به نورچشمی ها و آقازاده ها صورت می گیرد تا این آقازاده ها پس از اخراج کارگران و راحت شدن از شر آن ها سرمایه ثابت کارخانه را به رشته های سودآورتر مورد نظر خود منتقل کنند. خلاصه این که هدف خصوصی سازی ها تشدید استثمار کارگران، گسترش استثمار کودکان، استثمار شدیدتر زنان و خلاصه قربانی کردن هر چه بیشتر سطح حداقل زندگی توده های کارگر در پای سوداندوزی هر چه افزون تر سرمایه است. انتقال ذغال سنگ کرمان به بخش خصوصی یک نمونه بسیار آشکار از این سناریو سرمایه داری است. در این جا در یک چشم به هم زدن از ۱۷۰۰۰ کارگر شرکت فقط ۳۰۰۰ نفر باقی مانده اند. ۱۴۰۰۰ نفر اخراج شده و ۳۰۰۰ نفر باقی مانده باید به جای ۱۷۰۰۰ کارگر قبلی کار کنند. دستمزد کارگران در این مدت برای چندین ماه به تعویق افتاده و سایر امکانات کارگران نیز از همه سو مورد تعرض قرار گرفته است. عوارض دردناک خصوصی سازی ها برای طبقه کارگر ایران موضوعی است که حتی دستگاه های دولتی و نهادهای رسمی سرمایه نیز آن را انکار نمی کنند، همین ها در پاره ای موارد، در این مصاحبه و آن مصاحبه اعتراف کرده اند که با اجرای اصل ۴۴ شمار کارگران رسمی و دارای قراردادهای درازمدت عملاً به ۱۵٪ کل کارگران کاهش یافته است. اینان در همین رابطه بر قطع پاداش و عیدی و بن کارگری و مانند این ها در کارخانه های خصوصی شده انگشت گذاشته اند.

شرکت ذغال سنگ کرمان در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی سرمایه از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل شده است. طبقه سرمایه دار ایران و جناح های مختلف دولت سرمایه داری در طول چند سال اخیر، زمین و زمان را از جنجال ها و عوام فریبی ها به هم دوختند و همه جا عربده سر دادند که با اجرای اصل ۴۴ وضع اشتغال چنین خواهد شد، دستمزدها چنان خواهد شد، کار از سر و کول بیکاران بالا خواهد رفت و چه شاید بازی ها و ترفند پردازی های دیگر که به هم نباقتند و در گوش میلیون ها انسان غوغا نکردند. ما بارها و به مناسبت های مختلف گفته ایم که بحث خصوصی و دولتی بودن مالکیت سرمایه، مشکل طبقه کارگر و جنبش کارگری نیست. تا جایی که به توده های کارگر مربوط می شود این وجود سرمایه است که سرچشمه تمامی سیه روزی ها است. این که مالکیت سرمایه دست چه کسی، کدام سرمایه دار خصوصی یا نهاد دولتی باشد فرق چندانی برای کارگران نمی کند. با همه این ها، این را نیز تاکید کرده ایم که آنچه در جامعه ایران و در سطح بین المللی از دیرباز تا حالا زیر نام خصوصی سازی ها جریان دارد در واقع یک روند برنامه ریزی شده بسیار دقیق نظام سرمایه داری برای تشدید هر چه هارتر و جنایتکارانه تر استثمار توده های کارگر و تشدید هر چه بی مهارتر همه اشکال بی حقوقی های این طبقه است. آنچه طی این مدت در جامعه ما و از جمله معدن ذغال سنگ کرمان با همین علم و کتل رخ داده نیز بدون هیچ کم و زیاد بیانگر واقعیتی است که تا حالا مطرح کرده ایم و اکنون یک بار دیگر بر آن تاکید می کنیم. کارخانه ها یا هر مرکز کار و تولید به سرمایه داران خصوصی واگذار می شود تا آنان فوج کارگران را بیکار کنند و تمامی کار کارگران اخراجی را یکجا بر کرده کارگران شاغل باقی مانده بار کنند. سرمایه ها به بخش خصوصی واگذار می شود تا از رقابت درون نیروی کار و وجود ارتش عظیم بیکاران برای

## تعویق سه ماهه دستمزد کارگران دهکده رضوی

پیدا نکرده و به هیچ نتیجه مثبتی نینجامیده است.

۹ تیر ۸۷

که ریالی دستمزد نگرفته اند. کارگران بارها علیه این وضعیت اعتراض کرده و خواستار پرداخت فوری دستمزدهای خود شده اند. این اعتراض ها تا لحظه حاضر هیچ گوش شنوایی

دهکده رضوی یک مجتمع کشت و صنعت در استان خراسان است. این مجتمع ۴۰۰ کارگر را استنمار می کند. کارگران در شرایط سختی کار می کنند و به کارهای شاق اشتغال دارند. آنان علاوه بر همه این ها در حال حاضر ۳ ماه است

## تعطیل درمانگاه مهدیه همدان و اخراج کارگران

درمانگاه است. سرمایه با مدرسه ها نیز همین کار را می کند. در طول سال های اخیر، حتی در ثروتمندترین کشورهای اروپا، شمار بسیار زیادی مدرسه را برای همیشه تعطیل کرده اند. تخت های بیمارستان ها در همه جا کاهش می یابد. نسبت پرستاران و پزشکان به جمعیت کشورها در همه جا رو به کاهش است. سرمایه داری تاریخاً در مرحله ای قرار دارد که باید تمامی هست و نیست معیشتی و رفاهی انسان ها را با قساوت و شرارت تمام صرف افزایش نرخ سودهای خود سازد. در عین حال، طبقه کارگر متشکلی هم که بتواند در مقابل سرمایه داری قدامت کند و مانع انسان ستیزی لجام گسیخته این نظام شود، وجود ندارد. راز سیه روزی بیش از پیش انسان معاصر را در اینجا باید جست.

۹ تیر ۸۷

وجود دارد زیر فشار مبارزه طبقه کارگر به وجود آمده است. اکنون هیچ کدام از این عوامل موجود نیست. سرمایه داری در شرایط موجود نه فقط در ایران بلکه در همه جای جهان پاره ای از این امکانات را نه تنها به وجود نمی آورد بلکه هر روز بخشی از آن ها را ویران می سازد. مدرسه ها و بیمارستان ها از این دسته اند و در صف مقدم سلاخی ها قرار دارند. چرا؟ زیرا نیروی کار بیکار آن قدر فراوان است که مریضی و مرگ و میر میلیون میلیون آن ها برای سرمایه نه فقط هیچ مشکلی نیست بلکه مانده آسمانی است، زیرا از شر اعتراضات و جنگ و ستیز آن ها را می شود. به همین دلیل سرمایه نه فقط بیمارستان نمی سازد بلکه بیمارستان ها را تعطیل می کند. درمانگاه مهدیه همدان نمونه ای از همین تعطیل کردن ها است. سرمایه این درمانگاه را از بیخ و بن برچیده و ۱۳ کارگر شاغل آن را نیز بیکار ساخته است، زیرا سودآوری رشته های دیگر بیشتر از سرمایه گذاری در زمینه ایجاد

در گذشته های دور در زیر حاکمیت همین نظام انسان ستیز سرمایه داری برخی کارها انجام می گرفت و امکاناتی به وجود می آمد که بودن آن ها بسیار بهتر از نبودنشان بود. به طور مثال، مدرسه هایی ساخته می شد، بیمارستان هایی تأسیس می گردید، جاده هایی کشیده می شد و کارهای دیگری از این نوع صورت می گرفت. مثل روز روشن است که سرمایه داری از سر مصالح زندگی انسان ها و برای رفع نیازهای زندگی آن ها این کارها را نمی کرد. سرمایه از بیخ و بن بشرستیز است و با هر چیز انسانی بیگانه است. ایجاد امکانات مذکور نیاز توسعه انباشت سرمایه بود. مدرسه ساخته می شد زیرا سرمایه به نیروی کار درس خوانده و آموزش دیده احتیاج داشت، بیمارستان تأسیس می گردید زیرا سرمایه نیازمند وجود نیروی کار سالم برای استنمار هر چه بیشتر آن ها بود. جاده های زیادی کشیده می شدند زیرا که لازمه حمل و نقل کالاها بود. علاوه بر این، بسیاری از امکانات انسانی هم که نیاز سرمایه نیست اما

## تعویق ۵ ماهه دستمزد کارگران نساجی پنگوئن

ایاب و ذهاب کارگران را به دنبال داشته و درست بر همین اساس چرخ کار و تولید در کارخانه به طور کامل متوقف شده است.

۹ تیر ۸۷

سرمایه است. با این همه، پرداخت دستمزد ناچیز کارگران ۵ ماه است که به تعویق افتاده است. سرمایه دار صاحب شرکت به مصادره حقوق کارگران بسنده نکرده است. او مطالبات رانندگان سرویس های ایاب و ذهاب کارخانه را نیز نپرداخته و به همین دلیل رانندگان دست به اعتصاب زده اند. اعتصاب کارگران راننده قطع

نساجی پنگوئن در استان گیلان قرار دارد و ۲۰۰ کارگر را استنمار می کند. کارگران این کارخانه ۵ ماه است که ریالی دستمزد نگرفته اند. شرکت پنگوئن یک واحد صنعتی تولید موکت و فرش است و محصولاتش مطابق معمول از بازار رونق لازم برخوردار است و میزان سودهایش بسیار باب طبع صاحبان

## هر سال ۱۶۷ هزار کارگر در اروپا هنگام کار برای سرمایه کشته می شوند

حداکثر عوام فریبی از تلاش و برنامه ریزی برای کاهش کشتارها و معلول شدن های کارگران حرف می زنند. آنان دروغ می گویند و شمار کارگران مقتول در حین کار برای سرمایه هر سال بیش از پیش می شود. در مورد عوام فریبی های سرمایه داران و دولت ها اما

در مراکز مختلف کار و تولید رخ می دهد از ۷ میلیون افزون است. اکثریت غالب این حوادث اگر هم به قتل کارگر منجر نشوند قطع اعضای بدن او، فلج شدن، بیماری های مهلک و سایر صدمات را به دنبال دارد. دولت های سرمایه داری قاره اروپا به طور مرتب با

در قاره اروپا در طول هر سال ۱۶۷۰۰۰ کارگر در حین کار به قتل می رسند. دلیل کشته شدن این کارگران بی ارزش بودن جان آن ها برای صاحبان سرمایه و دولت های سرمایه داری است. شمار حوادث مرگباری که هر سال فقط در کشورهای عضو اتحادیه اروپا

نشود هزاران هزار کارگر را تحت نام سوانح محیط کار به قتل می رسانند.

ژوئن ۲۰۰۸

بسیار عامدانه هر سال ۱۶۷۰۰۰ نفر را به قتل می رسانند. به بیان دقیق تر، برای این که هزینه ایمنی محیط کار را نپردازند و برای این که دیناری از سودهای سر به فلک کشیده آن ها کم

یک نکته جالب است. آنان در همین شیدای ها بسیار صریح اعتراف می کنند که کلیه این حوادث قابل پیشگیری هستند. معنای حرف آن ها بدون نیاز به هیچ تفسیر این است که پس

## تیر خلاص سرمایه به قلب یکی از کارگران لاستیک البرز

به قلب او شلیک می کند. تیمور تمامی عمرش برای نظام سرمایه‌داری کار کرد. او با سال های مدید کار خویش دنیایی سود و سرمایه نصیب سرمایه‌داران و طبقه سرمایه‌دار ساخت. سرمایه حتی بهای ناچیز نیروی کار او را هم پرداخت نمی کرد و تیمور برای بازتولید نیروی کارش که بتواند برای سرمایه سود تولید کند مجبور بود پول قرض کند. صاحبان سرمایه و دولت سرمایه‌داری تیمور را به جرم بدهکاری به زندان می بردند و خانواده او را در باتلاق گرسنگی خفه می کردند، در حالی که تیمور با لحظه لحظه عمرش سرمایه را تولید کرده بود. سرمایه تیمور را به جنایت آمیزترین شکلی کشت. قاتل مستقیم او سرمایه‌دار صاحب کارخانه و دولت سرمایه‌داری است.

۸ تیر ۸۷

سرمایه زندانی خواهد شد. تیمور همه این مسائل را برای کارفرما توضیح می دهد، اما در مقابل تمامی این توضیحات تنها جوابی که می شنود این است: «هیچ ریالی به او پرداخت نخواهد شد و می تواند هرکاری که می خواهد بکند.» سخن آخر کارفرما و موج هولناک یاسی که گفته وی در تمامی شریان های حیات تیمور به راه می اندازد فقط چند ثانیه بعد طومار زندگی این کارگر را برای همیشه در هم می پیچد. تیمور اطمینان حاصل می کند که به جرم بدهکاری راهی زندان خواهد شد. تصور افتادن در سلول های زندان، هیولای وحشتناک بدهکارهای انبوه، خطر از دست دادن کار، بی نان آور شدن خانواده و صدها بدبختی و ذلت و سیه روزی دیگر همه و همه در یک ثانیه وجود او را در موج فشار خود می پیچد. تیمور سکنه می کند، اما حقیقت این است که صاحب سرمایه است که با پاسخ ضد بشری خود و آوار مرگبار یاسی که بر سر او خراب می کند تیر خلاص را

کارگران لاستیک البرز به رغم ماه ها مبارزه، اعتصاب و اعتراض همچنان دستمزد و مطالبات ماه های اخیر خود را دریافت نکرده اند. خانواده های کارگران در وضعیت بسیار رقت باری زندگی می کنند. آنان قادر به پرداخت اجاره بهای آلودگی های مسکونی خود نیستند و زیر فشار انبوه بدهکاری ها هیچ مغازه داری به آن ها نسپه نمی دهد. در دل چنین اوضاع فاجعه بار و شرایط غیرانسانی که سرمایه بر آنان تحمیل کرده است، صبح روز سه شنبه ۴ تیرماه، کارگری به نام تیمور ندائی به سرمایه‌دار صاحب کارخانه مراجعه می کند و تقاضای ۶۰۰ هزار تومان از مطالبات معوقه خود را می کند. او برای سرمایه‌دار جلاذ کارخانه توضیح می دهد که در موقعیت بسیار زجرآوری قرار دارد و مجبور است اقساط بدهی ناشی از تعویق دستمزدهایش را بپردازد. او اضافه می کند که در غیراین صورت به طور قطع به جرم بدهکاری توسط دولت

## ادامه مبارزات کارگران «هما مرغ»

رفتار فرماندار با کارگران بدون هیچ کم و کاست عین همان رفتار کارفرما بود. کارگران اعلام کردند که به مبارزات خویش ادامه خواهند داد.

۸ تیر ۸۷

بهای نیروی کار و مشکلات غیرقابل تحمل معیشتی با فاجعه بیکاری و قطع همان حداقل دستمزد با هم توأم شد. ۵۷ کارگر مجتمع علیه این جنایت دست به اعتراض زدند اما کارفرما هیچ وقعی به حرف های آنان نگذاشت. کارگران در پی این مشاجرات در مقابل دفتر فرمانداری جمع شدند و علیه اخراج و سطح پایین دستمزدهای خود فریاد اعتراض سر دادند.

۵۷ کارگر مجتمع هم مرغ مهاجد در ادامه اعتراضات قبلی خویش، در مقابل مقر حکومت فرماندار سرمایه اجتماع کردند و دست به اعتراض زدند. کارگران چندی پیش خواستار افزایش دستمزد بودند اما صاحب مجتمع، بی درنگ همه آنان را به جرم مطالبه افزایش دستمزد بیکار ساخت. معضل کارگران به این ترتیب چند برابر شد. سطح بیش از حد نازل

## خودکشی کارگر پتروشیمی زیر فشار گرسنگی خانواده

این است که روز خودکشی این کارگر دقیقاً همان روزی است که رئیس جمهوری عدالت سرمایه از کارخانه دیدن کرده و به احتمال زیاد در سخنرانی هایش از نعمتی که دولت وی، طبقه سرمایه‌دار و نظام سرمایه‌داری برای کارگران به ارمغان آورده داد سخن داده است.

۸ تیر ۸۷

نیستند. به همین دلیل بیکاری اینان در واقع تیر خلاصی است که به زندگی شان شلیک می شود. اقدام به خودکشی زیر فشار گرسنگی امر طبیعی کارگران با توجه به همه این بدبختی ها است. خودکشی یکی از کارگران اخراجی شرکت در روزهای اخیر نمونه بارز نوع واکنش های کارگران به فجایعی است که سرمایه در اینجا مثل همه جاهای دیگر بر زندگی آنان تحمیل کرده است. طنز تلخ ماجرا

مجتمع پتروشیمی کرمانشاه شمار زیادی کارگر را استثمار می کند. کارگران این مجتمع نازل ترین میزان دستمزد را می گیرند. صاحب کارخانه، که دولت است، نه فقط ناچیزترین دستمزد را به کارگران پرداخت می کند بلکه آن ها را اخراج و بیکار می سازد. کارگران اخراجی شرکت به طور معمول هیچ شانسی برای یافتن کار جدید در هیچ کجای دیگر استان ندارند. آنان از هیچ نوع بیمه ای هم برخوردار

## کارگران شهرک اشتهارد بدون هیچ نوع امکانات

دشوار کار و سختی معیشت و فقدان نیازهای اولیه زندگی در حوزه سکونت بارها مورد اعتراض کارگران قرار گرفته اما به این اعتراضات هیچ پاسخ مثبتی داده نشده است.

۸ تیر ۸۷

می کنند، حتی یک درمانگاه پزشکی و ابتدائی ترین امکانات دارو و درمان در اختیار این جمعیت وسیع کارگری نیست. چنین به نظر می رسد که نفس کارگر بودن و افراد خانواده کارگر بودن ساکنان این منطقه محکم ترین دلیل برای محرومیت آنان از نازل ترین امکانات بهداشتی و خدمات اجتماعی است. شرایط بسیار

در شهرک اشتهارد حدود ۵۰۰ واحد صنعتی مستقر است که در مجموع بیش از ۱۲۰۰۰ کارگر را استثمار می کنند. سطح دستمزد کارگران مطابق معمول بسیار پائین است. بخش غالب آنان از هیچ نوع بیمه اجتماعی و دارو و درمان برخوردار نیستند. با این که همه افراد خانواده های کارگران در همین شهرک زندگی

## قتل دو کارگر در کرج زیر آوار سرمایه

دو کارگر در زیر خروارها خاک دفن شدند و کارگران آتش نشانی پس از ورود به محل تنها توانستند اجساد این کارگران را از زیر آوار خارج کنند. عامل مستقیم قتل این دو کارگر کارفرمای صاحب شرکت و دولت مدافع او است.

۸ تیر ۸۷

امکاناتی مشغول حفاری زمین و خاک برداری شالوده بنا بودند. در محل کار دیوارهای قدیمی مخروبه ای باقی بود که خطر ریزش آن در زمره طبیعی ترین حوادث کار است. سرمایه‌دار صاحب شرکت با آگاهی کامل به وجود تمامی مخاطرات و احتمال ریزش دیوار کار، حفاری زیربنا را به کارگران سپرده بود. حادثه هنگامی رخ داد که خاک برداری بنا همه زمینه های لازم برای ریزش آوار را فراهم می ساخت. هر

هر دو کارگر مقتول برای یک شرکت ساختمانی کار می کردند. این شرکت در منطقه مهرشهر کرج مشغول احداث مجتمع های ساختمانی برای سرمایه‌دارانی است که در تولید و فروش مستغلات سرمایه گذاری کرده اند. کارگران مقتول در محیط کار خویش از هیچ نوع وسائل ایمنی برخوردار نبودند. آنان به حکم کارفرما در شرایط و محیطی که از همه لحاظ آستان سوانح بود، بدون داشتن هیچ

## معلمان و رامین ۴ ماه بدون حقوق

حقوق ها اعتراض کرده اند. آنان خواستار استخدام دائم، افزایش حقوق و پرداخت بدون تأخیر حقوق ماهانه خود هستند.

۸ تیر ۸۷

اپیدمی فجیع تعویق دستمزدها به سر می برند. آنان ۴ ماه است که ریالی حقوق دریافت نکرده اند. همه این معلمان در چهارچوب قراردادهای موقت کار می کنند و مطابق اصطلاح رایج دولت سرمایه حقوق ماهانه خویش را زیر نام «حق التدریس» دریافت می دارند. معلمان در همه این مدت به قراردادهای موقت کار، به سطح پائین حقوق ها و به تعویق در پرداخت

تعویق در پرداخت دستمزد کارگران پدیده عام زندگی بخش غالب توده های کارگر ایران در همه حوزه های کار و تولید است. کارگر نیشکر و قند و نساجی و لاستیک و صنایع فلزی یا آب و برق و مدارس و شهرداری، همه و همه زیر فشار این فاجعه همه جا گستر جهنم سرمایه‌داری ایران هستند. معلمان و رامین نیز در شمار کارگرانی هستند که در زیر تیغ تیز

## دستگیری کارگر معترض شرکت واحد

چگونه می خواهند با ایمان به نظم سرمایه‌داری، با امید به اصلاح این نظام و با رجوع به داربست قانون و قانونمداری سرمایه مشکلات اشتغال، معیشت، بی حقوقی ها و نابسامانی های زندگی خود را رفع کنند؟! دستگیری عضو سندیکای شرکت واحد موج اعتراض کارگران را به دنبال داشته است. فریاد کارگران این است که غلامحسینی هر چه سریع تر باید از زندان سرمایه آزاد شود.

۸ تیر ۸۷

روز و به جرم همین تلاش توسط مأموران امنیتی سرمایه دستگیر و راهی زندان اوین می شود. او می خواست از بلای بیکاری نجات یابد و در بازار سرمایه‌داری نیروی کارش را بفروشد. دولت سرمایه پاسخ این تلاش را با دستگیری و زندان و طبیعتاً شکنجه پاسخ داد. غلامحسینی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد است. دستگیری او و دستگیری تمام سندیکالیست های دیگر این شرکت نه فقط حالا که همیشه و همه وقت یک سؤال بسیار مهم را با برجستگی بیش از حد در برابر دینگان آن ها قرار می دهد: به راستی در چهاردیواری پر از شرارت سرمایه‌داری ایران

غلامرضا غلامحسینی از جمله کارگران شرکت واحد است که پیش از این در جریان اعتصاب کارگران این شرکت بیکار شده است. حکم اخراج غلامحسینی پس از مدتی به دنبال اعتراضات و شکایات طولانی مدت وی به ظاهر لغو می شود، اما مدیریت شرکت واحد از بازگشت او به کار جلوگیری می کند. غلامحسینی در «مراسم روز زن» در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی تلاش می کند تا به طور مستقیم با شهردار سرمایه وارد گفتگو شود. تلاش او از سوی عوامل امنیتی سرمایه به اخلاص در نظم عمومی نظام تعبیر می شود. کارگر اخراجی شرکت واحد در همین

## خبازی های کردستان و استثمار نیروی کار شبه رایگان

عصیان ضد سرمایه‌داری کارگران را مهار کنند و در برهوت قانونمداری از هر نوع خطر برای سرمایه تهی سازند. همین نیروهای اصلاح طلب هستند که در رسانه های خود در بحث پیرامون دستمزد نازل کارگران ناتوانی های کردستان از معضل «عدم اجرای قانون» حرف می زنند. این ها بدترین دروغگویان و عوام فریبانند. کارگران خباز کردستان نه در توسل به قانون سرمایه بلکه در پیکار سازمان یافته سراسری علیه استثمار و موجودیت سرمایه‌داری است که می توانند مطالبات معیشتی و اجتماعی خود را بر سرمایه‌داران و دولت آن ها تحمیل کنند. اگر کارگران خباز کردستان برای مبارزه با استثمار سرمایه‌داری متشکل شوند، دستمزد ۲۱۹ هزار تومانی که جای خود دارد، حداقل دستمزد ۶۰۰ هزار تومانی هم به راحتی دست یافتنی خواهد شد.

۸ تیر ۸۷

برائت دولت سرمایه‌داری و سمت دادن مبارزات کارگران به مجرای رفرمیسم منحنط باب طبع سرمایه است. بدون شک، قانون ممکن است حامل فشار مبارزه کارگران بر نظام سرمایه‌داری باشد و به این معنا کارگران می توانند برای اصلاح وضعیت خود به قانون استناد کنند. اما حتی این استناد در بهریت حالت فقط میزان شدت استثمار کارگران را اندکی کاهش می دهد و هیچ گونه تغییر اساسی در زندگی کارگران به وجود نمی آورد. قانون در مجموع به نفع سرمایه است و اگر چنین نبود دولت سرمایه‌داری هیچ گاه آن را تصویب نمی کرد. اگر کارگران هشیار نباشند و از ماهیت قانون سرمایه آگاهی نداشته باشند استناد آن ها به قانون جهت ایجاد رفرم می تواند آنان را به راحتی به ورطه رفرمیسم بکشاند. از این منظر، قانون به طور کلی سلاحی است که نظام سرمایه‌داری به دست نیروهای رفرمیستی می دهد تا از طریق آن جنب و جوش و خشم و

کارگران خبازی های کردستان در قبال کار طاقت فرسای طولانی مدت شبانه روزی خود فقط ۱۱۰ هزار تومان در ماه دستمزد می گیرند. این مبلغ نصف میزانی است که نهاد دولتی موسوم به «شورای عالی کار» یا در واقع «شورای عالی تعیین نرخ استثمار نیروی کار توسط سرمایه» برای دستمزد سال جاری کارگران تعیین کرده است. نهاد دولتی مذکور مصوبه خویش یعنی دستمزد ماهانه ۲۱۹ هزار تومان برای کارگران را به سان همه مصوبه های دیگر دولتی «قانون» نام نهاده است. با آن که حتی این مبلغ حدود یک سوم حداقل واقعی دستمزد کارگران است، اما شدت استثمار سرمایه در ایران چنان است که همین مبلغ ناچیز برای بسیاری از کارگران دست نیافتنی شده است. همین جا است که سروکله رفرمیست ها (اصلاح طلبان) و موعظه «عدم اجرای قانون» آن ها پیدا می شود. در واقع خاصیت این نوع قوانین برای سرمایه ایجاد دستاویزی برای

## شهرداری سقز و مصادره دستمزد کارگران

پرداخت کنند. این مسئله در شهرداری سقز و در حاکمیت قدرت شهردار این شهر کاملاً معکوس است. کارگران در روزهای تعطیل دستمزد بسیار کمتری حتی در قیاس با دستمزد نازل روزهای دیگر خود دریافت می کنند!

۸ تیر ۸۷

استنار کند. کارگران شهرداری سقز روزی ۱۲ ساعت در بدترین شرایط و با تحمل تمام محرومیت ها بدون دریافت ریالی دستمزد به کار ادامه داده اند. دلیل اصلی تحمل این وضعیت از سوی کارگران هراس و وحشت آنان از بیکار شدن است. در بخشی از دنیای سرمایه‌داری کارگران صاحبان سرمایه و دولت آن ها را مجبور ساخته اند که در قبال ساعات کار روزهای تعطیل دستمزدهای بیشتری

شهرداری سقز از شروع سال جاری تا امروز هیچ دستمزدی به هیچ کدام از کارگران نظافت سطح شهر پرداخت نکرده بود. موج اعتراض و خشم کارگران اینک شهردار سرمایه را مجبور ساخته است که با پرداخت دستمزد ماه فروردین آن ها موافقت کند. شهردار این اقدام خویش یعنی پرداخت یکی از ماه های این سال را در بوق و کرنا کرده است تا در پشت آن مصادره چند ماه دستمزد ۱۸۰ کارگر این سازمان را

## پایان اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

هر کس که سیر حوادث روزهای اعتصاب و کل رخدادهای مبارزه کارگران در طول این دو سال را دنبال کرده باشد به روشنی درمی یابد که تصمیم کارگران به پایان اعتصاب و شروع مجدد کار هیچ ربطی به هیچ نوع باور یا امیدی از جانب آنان نسبت به قول و وعده های مدیرعامل سرمایه ندارد. باید زمینی سخن گفت و واقعیات مادی بسیار تلخ مبارزه طبقاتی را به دور از هر نوع خیال بافی مورد تعمق و بازبینی قرار داد. رمز و راز واقعی بازگشت کارگران به کار و تمکین آن ها به خواست کارفرما دایر بر پایان اعتصاب را نه در اعتماد آنان به وعده شفيعی یا سایر مزدوران سرمایه بلکه دقیقاً در بن بستى باید جستجو کرد که کل جریان مبارزه ۵۰ روز اخیر را به بند کشیده بود. کارگران شکست خوردند و آنان مجبور به تحمل این شکست شدند، زیرا قادر به درهم شکستن بن بست بسیار جدی و سرنوشت ساز مبارزه خویش نشدند. شرط اول درهم شکستن این بن بست آن بود که کارگران رفع مشکل اصلی خود یعنی تعطیل کارخانه و از دست دادن کار خود را به عمده ترین مطالبه خود تبدیل می کردند و در درجه نخست برای امنیت شغلی خویش می جنگیدند. بدون شک، مبارزه برای مطالباتی چون دریافت دستمزد معوقه و عزل مزدورانی چون شفيعی و زیودار و یا توقف پیگرد قضایی فعالان

چندین هزار کارگر نیشکر هفت تپه به دنبال ۵۰ روز اعتصاب مداوم و جنگ و ستیزهای پراکنده با نیروی سرکوب سرمایه در وسعت شهر شوش و جاده های اطراف و با پشت سر نهادن ۱۳ اعتصاب بزرگ در طول ۱۵ ماه، سرانجام بدون دستیابی به مطالبات اعلام شده خویش به سر کار بازگشتند. البته شیوه دولت سرمایه در پایان دادن به اعتصاب کارگران بسیار حساب شده بود، به این معنی که دولت در واقع رهبران واقعی اعتصاب را دور زد و برای ایجاد تفرقه در میان کارگران با بخشی از کارگران وارد مذاکره شد و آنان را قانع کرد که به اعتصاب پایان دهند. کارگران مصمم به ادامه اعتصاب نیز این کارگران را در مقابل توده کارگران قرار دادند و بدین وسیله ضمن معرفی آنان به عنوان عاملان پایان اعتصاب اعلام کردند که برای جلوگیری از تفرقه به سرکار بازمی گردند، اما برای نشان دادن حسن نیت خود بیست روز به کارفرما مهلت می دهند تا مطالبات کارگران را متحقق کند. در غیر این صورت، اعتصاب را از سر خواهند گرفت. یعقوب شفيعی، مدیر عامل شرکت، نیز به کارگران وعده داده که در صورت بازگشت کارگران به کار و خودداری آنان از تداوم مبارزه و اعتصاب در طول هفته های آینده برای پرداخت دستمزدهای معوقه آنان چاره ای خواهد اندیشید.

شکستن این بن بست بود. توسل به این راهکار متضمن این بود که کارگران بخش عظیمی از حاصل کار و تولید خویش را از دست سرمایه‌داران و دولت خارج می‌ساختند و آنگاه این سرمایه‌داران و دولت آن‌ها بودند که باید برای بیرون راندن کارگران از قلمرو آنچه که تصرف کرده بودند لشکرکشی می‌کردند. با وقوع این حادثه، جنگ و ستیز جاری میان کارگران و سرمایه از حالت ابتدایی خود به طور کامل خارج می‌شد. کارگران کارخانه را در دست می‌گرفتند و از همه همزنجیران خود در ایران و سراسر جهان برای ادامه تصرف کارخانه و برنامه ریزی و اداره تولید کمک می‌خواستند. آنان در همین راستا محتوای کیفرخواست خود علیه سرمایه و مضمون کمک خواهی و طلب پشتیبانی خویش از همزنجیران کارگیشان را به مدار جدیدی منتقل می‌کردند. به دولت اخطار می‌کردند که باید کل مصالح و نیازهای ادامه کار کارخانه را به صورت رایگان در اختیار آنان قرار دهد و از بخش‌های مختلف طبقه خود می‌خواستند که از طریق اعتصاب و سایر اشکال مبارزه، سرمایه‌داران و دولت آن‌ها را برای قبول این مطالبات زیر فشار قرار دهند. کارگران هفت تپه در صورتی که چنین می‌کردند و این رویکرد را برمی‌گزیدند عملاً ابتکار عمل یک جنگ گسترده مستمر و بسیار افق دار علیه سرمایه‌داری را به دست می‌گرفتند. آنان از این طریق نیروی پیکار طبقاتی خود را درست در همان نقطه‌ای که بیشترین فشار را بر سرمایه وارد می‌ساخت متمرکز می‌کردند و سنگر مقاومت خود را به تریبون فراخوان همه کارگران به میدان وسیع مبارزه طبقاتی تبدیل می‌کردند.

کارگران این کار را نکردند و قادر به شکستن بن بست مبارزه خود نشدند. رمز و راز واقعی بازگشت آن‌ها به کار یا درواقع تحمل شکست در اینجا قرار دارد. البته حتی اکنون نیز برای متمرکز کردن مبارزه علیه سرمایه از طریق ایجاد شورا برای تصرف کارخانه هیچ دیر نشده است. اکنون کارگران برای تحقق مطالبات خود بیست روز به کارفرما مهلت داده اند. به احتمال بسیار زیاد حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، همه مطالبات کارگران در این مدت برآورده نخواهد شد و کارگران ناچار به از سرگیری اعتصاب و شکل‌های دیگر مبارزه خواهند شد. در این صورت، کاری که باید صورت گیرد جلوگیری از تکرار شکست است، و این میسر نخواهد شد مگر با درس‌گیری از تجربه این اعتصاب ۵۰ روزه برای تبدیل گذشته به چراغ راه آینده. به نظر ما، درسی که کارگران از این تجربه خواهند گرفت چیزی جز ضرورت درهم شکستن بن بست مبارزه و ارتقای آن به سطح بالاتر برای تصرف و اداره کارخانه از طریق شورای کارگران نخواهد بود.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)**

۶ تیر ۱۳۸۷

اعتصاب و نظایر این‌ها لازم بود و همچنان لازم است. اما تحقق این مطالبات بر بستر بقا و تداوم کار و تولید در کارخانه معنا می‌دهد. فرض کنیم همه این مطالبات هم متحقق شوند. وقتی خود کارخانه تعطیل شود و کارگران بیکار شوند، تحقق این مطالبات مشکل اصلی کارگران را چگونه حل خواهد کرد؟ در راستای همین حل مشکل اصلی و در ادامه مبارزه برای آن، شرط دوم درهم شکستن بن بست مبارزه کارگران هفت تپه ارتقای شکل مبارزه از سطوح پایین به سطوح بالاتر بود. توده‌های کارگر نیشکر هفت تپه در این ۵۰ روز یا، بهتر بگوییم، در این دو سال همه شکل‌های متعارف مبارزه را پشت سر نهادند. آنان چرخ تولید و کار را متوقف کردند. میدان کارزار علیه صاحبان سرمایه و دولت آن‌ها را از محیط کارخانه به خیابان‌های شهر شوش و جاده‌های اطراف گسترش دادند. از همزنجیران خویش برای حمایت از مبارزاتشان یاری طلبیدند و در این راستا به موفقیت‌هایی هر چند محدود دست یافتند. آن‌ها همه این کارها را کردند و برای پیشبرد همه این مراحل با استقامت و عزم راسخ به پیش رفتند. اما واقعیت این است که صرف انجام این کارها و توسل به این راهکارها با همه اهمیت زیادی که داشتند، کارساز نبود و راه به جایی نمی‌برد. همین نکته، یعنی ناکارآمدی این راهکارها و بی‌تأثیر ماندن این سلاح‌ها باید به عنوان اساسی‌ترین معضل پیشبرد شکل مبارزه فکر و ذهن و بصیرت و قدرت چاره‌اندیشی کارگران را به خود مشغول می‌کرد. اعتصاب یکی از برنده‌ترین و کاراترین سلاح‌های پیکار علیه سرمایه است. اما در شرایطی که سرمایه‌دار صاحب کارخانه و دولت سرمایه‌داری به دلایل بسیار معین و شفاف توقف چرخ تولید را معضل حیاتی خود نمی‌داند، نمی‌توان با ایستادگی در سنگر اعتصاب به پیروزی مبارزه امیدوار ماند. عین همین حکم در مورد جنگ و ستیزهای خیابانی، راه‌بندان‌ها و سایر شکل‌های مبارزه صدق می‌کند. اعتصاب ۵۰ روزه کارگران هفت تپه از همان نخستین روزهای شروع خود به زبان بی‌زبانی از کارگران می‌خواست که از این مراحل عبور کنند و میدان جنگ را به محور دیگری منتقل نمایند. کارگران باید نیروی پیکار خود را در جایی متمرکز می‌کردند که برای صاحبان سرمایه و دولت آن‌ها تهدید جدی و حیاتی باشد. بحث بر سر صرف مبارزه و اعتراض و اعتصاب نیست. نکته مهم و گریه‌ی قرار دادن سرمایه‌داران و دولت آن‌ها در موقعیتی است که مجبور به قبول مطالبات کارگران شوند و هیچ راهی برای فرار از قبول این خواسته‌ها و انتظارات نداشته باشند.

درست با توجه به چنین شرایطی بود که ما مرتب خطاب به توده‌های کارگر هفت تپه اعلام کردیم که تشکیل شورای ضدسرمایه‌داری، تصرف کارخانه و تدارک برنامه ریزی کار و تولید توسط شورای ضدسرمایه‌داری تنها راه تداوم پیکار کارگران است. توده‌های کارگر هفت تپه بدون توسل به این راهکار و گزینش این رویکرد در پس یک بن بست سنگین فرساینده دست و پا می‌زدند. تشکیل شورای ضدسرمایه‌داری و تصرف کارخانه تنها راه

## اعتراض کارگران کشتی سازی ها در لهستان

توده‌های کارگر را از بین خواهد برد. کارگران کارخانه‌های کشتی سازی لهستان در اعتراض به این برنامه‌ها و طرح‌های در دستور کار دولت دونالد توسک دست به اجتماع و اعتراض زدند. کارگران اعلام کرده‌اند که به مبارزات خود علیه سیاست‌های دولت ادامه خواهند داد.

ژوئن ۲۰۰۸

کارگر با هدف افزایش سود سرمایه‌ها است. دولت سرمایه‌داران اعلام کرده است که «قانون کار» را به نفع سرمایه و علیه کارگران بازنویسی خواهد کرد، سن بازنشستگی کارگران را بالا خواهد برد، هر نوع امنیت شغلی کارگران و تضمین اشتغال آن‌ها از سوی کارفرمایان و در یک کلام هر مانع موجود بر سر یکه تازی بی‌مهاری سرمایه برای استثمار

هزاران کارگر در شهر ورشو پایتخت لهستان دست به تشکیل اجتماع و راه پیمایی زدند تا به سیاست‌های ضد کارگری و ضد انسانی دولت «دونالد توسک» اعتراض کنند. دولت سرمایه‌داری لهستان همراه و همگام با همه دولت‌های سرمایه‌داری دیگر اروپا و دنیا دست به کار نابودسازی امکانات اجتماعی و افزایش فشار سهمگین بر سطح معیشت موجود طبقه

## اعتراض کارگران «هما مرغ» علیه بیکارسازی

بخشیده اند. آنان در حال حاضر مبارزاتشان را بر روی دو مطالبه معین و اصلی متمرکز کرده اند: افزایش دستمزد و ادامه اشتغال.

تیر ۸۷

فقر و خطر گرسنگی فروغلتیده اند. کارگران با توجه به شدت فشار مشکلات زندگی خواستار افزایش دستمزد شده اند و سرمایه‌دار صاحب مجتمع به محض شنیدن عبارت افزایش دستمزد از زبان کارگران بی درنگ دستور اخراج ۵۷ کارگر متقاضی افزایش حقوق ها را صادر کرده است. کارگران هما مرغ به دنبال اقدام کارفرما دامنه اعتراض خویش را وسعت

شرکت «هما مرغ» متعلق به مجتمع کشت و صنعت مهاباد است و شمار زیادی کارگر را استثمار می‌کند. این شرکت تصمیم گرفته است که ۵۷ تن از کارگران را اخراج کند. دلیل اخراج کارگران فقط یک چیز است. سطح دستمزد همه آنان بسیار پائین است و در ماه های اخیر با توجه به افزایش سرسام آور بهای ارزاق عمومی، به صورت وحشتناکی در کام

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. تاکید بر پایه ای بودن مطالبات در این منشور از آن رو ضروری است که اولاً کارگران ایران در اوضاع کنونی حتی از پایه ای ترین حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان محرومند و، ثانیاً و مهم تر از آن، لازمه ارتقای مبارزات پراکنده کارگران به سطح یک مبارزه سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل سرمایه در شرایط کنونی است- نه طرح مطالبات این یا آن بخش از کارگران بلکه طرح مطالبات کل طبقه کارگر در عمومی ترین و پایه ای ترین بیان آن است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح هرگونه مطالبه اعم از پایه ای و غیرپایه ای به معنای آن است که کارگران از سرمایه داران طلبکارند. طلب کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران کرده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضد سرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را

## خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از :

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه هر کارگر در شرایط کنونی باید ۶۰۰ هزار تومان باشد.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از حقوق ثابتی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان در ماه برخوردار باشند.
- ۳- کارخانگی باید از میان بروداما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۵- هر نوع قرارداد استخدام موقت الغاء باید گردد.
- ۶- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنج هر ماه پرداخت شود.
- ۷- مسکن مناسب با آب، برق، امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر کارگری است. تحقق این امر در گرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن کارگران استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای کارگران اختصاص دهد.
- ۸- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۹- آموزش و پرورش در تمامی سطوح باید رایگان شود.
- ۱۰- ایاب و ذهاب در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۱- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۲- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۳- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل الغاء گردد.
- ۱۴- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید :
  - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
  - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع گردد.
  - تشکیل خانواده یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
  - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- ۱۵- ایجاد هرگونه تشکل کارگری از جمله تشکل ضد سرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !**

**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)**

# خبرنامه کمیته هماهنگی رابه دست کارگران هر چه

## بیشتری برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد شکل کارگری (منطقه تهران) به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

**WWW.HAMAAHANGI.COM**

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را  
به آدرس زیر بفرستید:

**hamaahangi@gmail.com**

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و  
آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد  
کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید  
در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین  
شوید.